

[Afghanistan Digital Library](#)

adl1168

<http://hdl.handle.net/2333.1/mcvdndrp>



This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

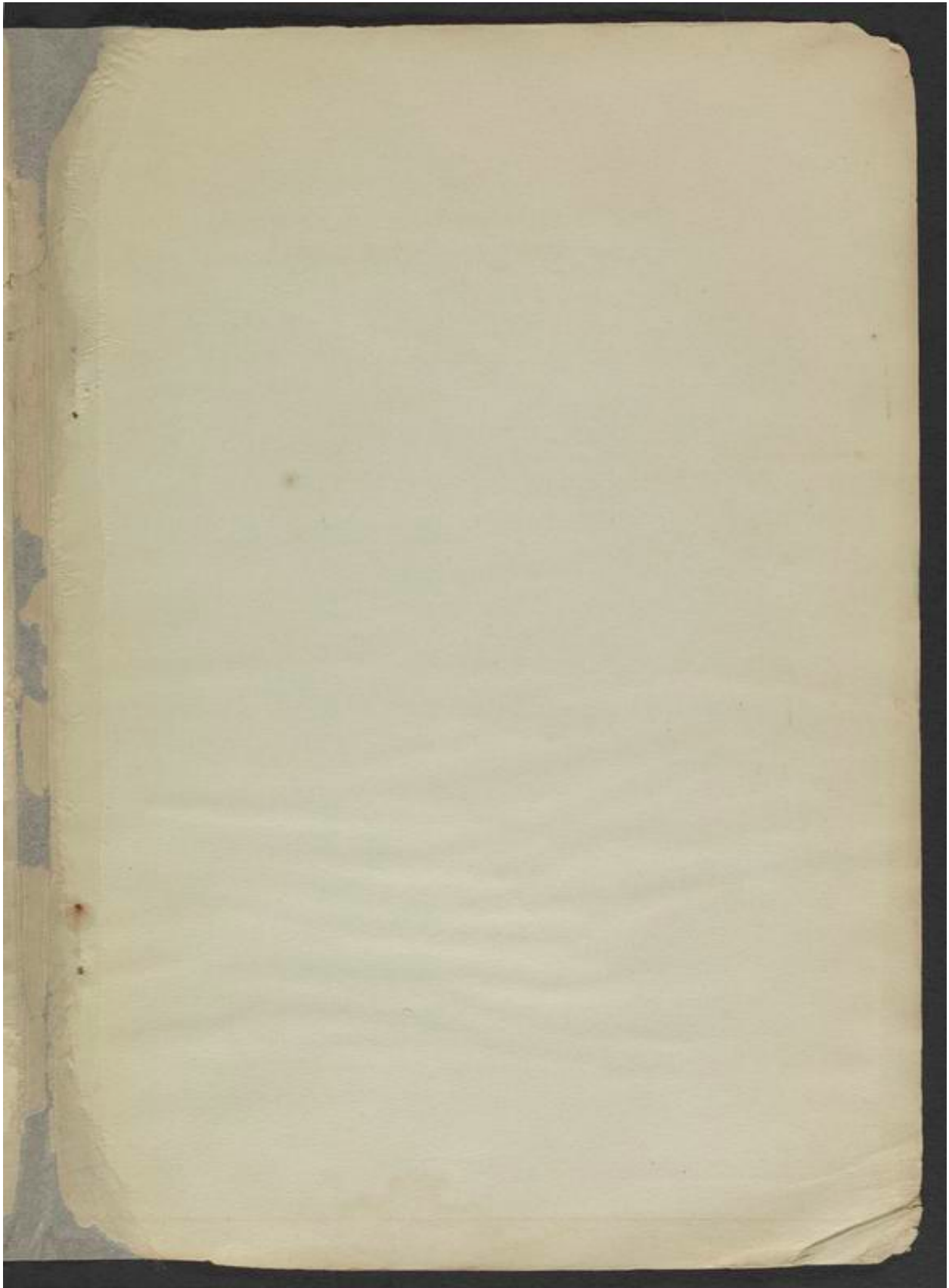
All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu

آثار عتیقه کتب خبرخانه

مؤلف : شوزف باکن
مترجم : سینه قاسم شیدا

از نشرات پستوتول
انجمن علمی



آثار عتیقه کوتل خیر خانه

کابل

تالیف : پروفیسر هاکن

عضو هیئت عتیقه شناسی فرانسه در افغانستان

ترجمه : سید قاسم خان رشیدیا

مدیر نشریات بشقو توله (انجمن ادبی)

از مدیریت نشریات انجمن ادبی نشر شد

کابل

۱۳۱۶

« مطبعه عمومی »

Recherches Archéologiques
au Col de Khair khaneh
près de Kâbul
Fouilles J. Carl et J. Hackin

PAR

J. HACKIN

Conservateur du Musée Guimet

Professeur à l'École du Louvre

Membre de la Délégation archéologique française en Afghanistan

Traducteur:

S. KASSEM RESHTIA

Directeur de la section de la presse et des publications
à l'Académie Afghane.

فهرست مندرجات

صفحه		۱ - مضامین :
الف	•	تقریظ انجمن
ج	•	مقدمه مترجم
۱	•	فصل اول
۱۷	•	دوم
۲۲	•	سوم
۴۷	•	چهارم
		۲ - تصاویر (تصاویر و اشکال داخل متن در فهرست گرفته نشده) :
۱	•	نقشه حوالی شهر کابل
۸	•	عمومی خرابه های کوتل خبر خانه
۹	•	آمار کوتل خبر خانه بصورت مکمل
۲۰	•	رب النوع آفتاب
۲۱	•	۲۴ مجسمه سوری رب النوع آفتاب
۳۲	•	(انعام دهند (سنگ مرمر)
۳۳	•	۲۲ - ب تکه های چراغ تیلی و ظروف سفالی
۴۳	•	۳۱ رب النوع آفتاب (از سنگ آبی)
۴۸	•	۳۲ - تکه از هاله رب النوع (مرمر)
۵۰	•	۳۳ - تکه یک سنگ سلبت منقوش

کتاب
آثار عتیقه کوتل خیر خانه

کابل

خاک پاک وطن عزیز که امروز مزین بانوار و وسایل تمدن عصری و سالیان قبل هم تحلیل و زیبایی تمدن اسلامی داشته و آثار گران بهای آن که تا هنوز در دست و برای اثبات عظمت و ترقیات چند قرن قبل افغانستان همه شواهد معلوم و محسوس بشمار میروند، همچنان این خاک قدیم و تاریخی این اقدخارات را بطور توارث دارا بوده و صفحات تاریخ از ادوار مختلفه خوشبختی و عظمت و مدنیت گذشته آن بحث مینماید. گرچه در همه نقاط وطن آثار یکجدار و برزبرکوها و مفارها و زیر زمینی ها محسوساً یا بطور تصادف کشف و ملاحظه شده هر کدام بذات خود موید اباحت تاریخی است ولی از زمانیکه کار حفريات (آرکیولوژی) مستقیماً از طرف هیئت عتیقه شناسی فرانسه در خاک ما شروع گردیده خوشبختانه بحال یکمده مشکلات بزرگ تاریخ وطن ما کامیاب گردیده است و امروز علاقه مندان بتاریخ و اقدخارات وطن میتوانند از ملاحظه این آثار، ادوار و طبقات هر تمدنی را در خاک خود تعیین و تمیز نمایند.

اوقاتی که فضایی فرانسوی مصروف کشف کاوی و تحقیقات مجسمه های بامیان و حفريات بگرام بودند، فکری شد که ما از تمدنهای بزرگ قبل از اسلام تنها یک کشف تمدن بودایی

(۲)

و یونانی موفق شده ایم . ولی در اثر حفریاتی که دانشمند فاضل موسیوهاکن عضو هیئت
عتیقه شناسی فرانسه بمیت همکار خود موسیو کرل در سال ۱۳۱۲ بکوتل خیرخانه
(۱۲ کیلو متر بشمال غرب کابل) نمود مغزی الیهم بکشف یکمده آثار و مجسمه های
ارباب انواع برهنه نیز موفق گردیدند که امروز عین این آثار در موزه کابل و موزه کیمه
پاریس موجود است و هر بیننده را بوجود تمدن گذشته برهنه در افغانستان معلومات میدهد .

موسیو هاکن نسبت باین موفقیت خود راجع بانارمند کور راپورت کشفیات خود
را با تحقیقات تاریخی عمیقی که درین باره بعمل آورده در تحت عنوان « آثار مکتشفه از کوتل
خیرخانه » بصورت رساله بزبان فرانسه نوشته و همراه تصاویر و نقشه های زیاد و قشنگی
در پاریس طبع نمود و اخیراً عالیقدر فاضل جناب سید قاسم خان « رشید » مدیر شعبه نشریات
انجمن ادبی کابل (پشتوتوله) که از جوانان لایق و فعال و طرفدار افتخارات وطن بوده
و نتیجه تحصیلات فرانسه و زحمات مکتب و استفاده های فکری و مطالعات خود را از
چند یست که باهل و اولاد وطن خود افاده مینماید ، در سال ۱۳۱۵ این اثر را از زبان
فرانسه بفارسی ترجمه و تراجم مذکور در شمارهای گذشته کابل ، مساسل نشر گردیده
است ، اینک درین مرتبه عموم تراجم مذکور بطور رساله جمع و بتصویب و نظریه انجمن
ادبی کابل بمطبعه عمومی بطبع رسیده و بواسطه این اثر از طرف جناب « رشید » ککی
بسر مایه عرفانی وطن کرده شد . البته که قرائت این رساله از لحاظ فهمیدن حیات و
تاریخ و چگونگی زندگانی و افکار چند قرن قبل اهالی وطن برای اولاد امروزه حالی
از داجیبی نبوده و بنابراین ما معطالعه آنرا قبلاً باهل وطن توصیه مینمائیم ! (انجمن)

عرض مرام

آرزوی هر فرد وطن پرست اینست که از هر جنبه ممکن و میسر شود خدمتی برای
ملک و ملت خویش نموده باشد ، چنانچه برخی از رهگذر امور اداری و بعضی در رشته
عسکری و دسته در زمینه خدمات عرفانی و . . . و غیره حتی المقدور برای پیشبرد
این آمل مقدس بقل م سعی مینمایند .

خوشبختانه پدیده و وظیفه موجوده ، باینجانب موقع داده که در قسمت مقاصد عرفانی
برای روشن ساختن مفاخر تاریخی وطن حصه بگیرم و استفاده از موقع هر آنچه که درباره
معرفی مفاخر ملی پیش نظرم برسد ، به اخذ آن پرداخته برای استفاده وطن و هموطنان
عزیز آماده نمایم . منجمله اینک کتابی را که بنازگی از طرف دانشمند محقق فرانسوی
جناب موسیو ژوزف هاکن راجع به آثار تاریخی مکشوفه از کوتل خیرخانه (کابل)
تألیف و نشر شده است ، ترجمه و به پیشگاه فرزندان وطن تقدیم نموده ضمناً رجا دارم
از سهو و خطائی که درین اثر از رهگذر نار سائی فکر و قلم مترجم و علمی بودن مضمون
و موضوع کتاب ملاحظه شود ، بگناه اغماض بگذرند .

رشتیا

ع





قلم حوالی کابل و محل قدیم آجر طینه کونل شیر شاه

فصل اول

حفراتی که پیدال ۱۹۳۴ (زمستان ۱۳۱۳ ش) در نشیب مشرقی کوتل خیرخانه (۱) به ۱۲ کیلومتری شمال غرب کابل ذریعه هیئت عتیقه شناسی فرانسوی مقیم افغانستان بعمل آمده، يك معبد محرابه و مباحثات آن را مكشوف ساخته است. محلیكه آثار مزبور از آنجا كشف شده، در انتهای يك دماغه سنگی وقوع دارد كه از سمت غرب جانب شرق امتداد یافته. دماغه سنگی مزبور يك پارچه كوه موسوم به كوه هزاره بغل كه بر دشت وزیر آباد حاكمیت دارد (نقشه ملا حظه شود)، مربوط و حصه شمالی از تقاطعی را تشكيل میدهد كه بر کوتل خیرخانه و راه بلخ كه در قدیم مهمترین راه مواصلات ما بین آسیای مرکزی و هند بود، حاكم است.

رخ معبد و مباحثات آن بطرف دشت وزیر آباد بوده (تصویر ۵) از تخت بام معبد، انسان تا آن كوه هائی را نظاره كرده میتواند كه دشت مزبور را از سمت جنوب و جنوب شرق احاطه كرده است. از جهت شرقی رشته كوه های (شیرانی) و (چكری) بشاعده میرسد و از يك بریدگی كه در حصه قلعه كوه چكری وجود دارد، دور نمای میناری بنظر می آید كه سابقاً بر فراز آن (در مه ككړه) یعنی نشانه قانون بودائی (مقصود منار چكری) نصب بود.

در فصل چهار فرور فنگی دشت وزیر آباد بمصاصله وسیعی زیر آب می شود و دران

(۱) کوتل خیرخانه در نقشه هائی كه بیش از سال ۱۹۲۳ ساخته شده، بنام کوتل غرس خانه نشان داده شده است.

(۲)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

وقت آب بطرف قلعه‌های اطراف رخنه کرده بعضی اوقات تا قریه‌های (خوجه بنرا) و (وزیر آباد) نیز میرسد. دور تر سمت جنوب خانه‌های کابل دیده می‌شود که در دامان کوه (شیر درواز) و (سیاسنگ) افتاده است (نقشه ملاحظه شود). و وقتی که غبار صبحگاهان اردمند افق زائل می‌شود، بهسولت تمام کتبه‌های ستوپه‌های (۱) شیوکی را در پای کوه چکری مشاهده می‌توان کرد.

این بوده تماشای که در زمانه‌های قدیم این معبد معتبر بودائی جلوه نظر راثرین و واردین هموار کرده باینوسیله آنها را به تکر و عبادت وادار می‌داشت.

محلیکه ازان تذکار

بودیم، در ماه فروری

۱۹۳۴ در ضمن جستجوی

عتیقه شناسی از طرف

موسس (ژان کارل) کشف

شده، عمارات مخروبه

زیر خاکها نیکه در اثر



(شکل اول)

در زمانه‌های سیلابی موسم بهار از نشیب‌های شرقی کوه هزاره بفل جدا شده، پنهان شده بود. چنانچه معبد و ملحقات آن بنظر می‌نمید، بشل غندی‌های مدور خورد و بزرگ معلوم می‌شد (تصویر - ۶) آنچه سبب کشف آثار مزبور شد، همانا عبارت از خمیدگی واضح قله یکی از این غندی‌ها بود که توجه موسس ژان کارل را بسوی خود جلب نمود؛ اولین حفریاتی که در اوائل ماه مارچ بعمل آمد، نتایج بسیار جریئت بخشائی داده، بزودی يك قسمت از ملحقات معبد (ه - و - ز) از زیر خاک برآمد. کمر بند دیوار زیرین مزبور مرکب بود از پارچه‌های ضخیم سنگ سلیت (۱) که روی هم گذاشته بودند و برای آنکه سنگ کاری محکمتر باشد فاصله‌های معین بعضی سنگ

(۱) ستوپه بتای مخصوصی که بودائی‌ها در آن تیرکات خود را می‌گذاشتند. مترجم

(۳)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

های بزرگ سلبت را بکار برده . رخ سنگهای مذکور را بدقت تمام حجاری و تزئین نموده بودند . چنانچه این طریقه تعمیر در عمرانات تاریخی جلال آباد و کابل بکثرت مشاهده رسیده است (شکل ۱ و ۲) .

و فیکه این نتائج

ابتدائی بدست

آمد کار حفريات

از طرف موسیو

ژان کارل و

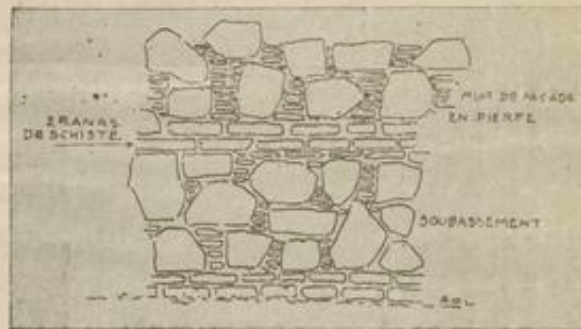
نماوند موسیو

(ای - ماک)

بطور با قاعده

تعقیب گردید :

دیوار زیرین



(شکل دوم)

تدریجاً از زیر خاک بیرون کرده شد . زینته که در رخ جنوبی این دیوار ساخته شد ، بود ، مدخل عمده بنا را تشکیل میداد (تصویر ۵-۷ و تصویر ۱) و مدخل ثانوی بر رخ شمالی عمارت تعبیه شده بود . از آن پس انسان داخل حویلی درونی و بعد از آن جا بواسطه يك عمارت مایل (رخ شمالی دیوار زیرین) به تخت بام عبادت خانه میرسد . يك وسیله دیگر برای بالا شدن به عبادت خانه وجود داشته که عبارت است از زینته که مستقیماً صحن زمین را به تخت بام وصل میکند (تصویر ۱-۱) این تخت بام که بر بالای آن هر سه عبادت خانه (المسب - ج) وقوع دارد ، در حقیقت عبارت است از بام هموار يك عمارت قدیمی تری (تصویر ۱-۱) که دارای سه اطاق بوده . ولی هر سه اطاق مزبور مدخل

(۱) سنگ وره و رفته که برای سنگ کاری تهاداب های عمارت بکار میرود و اصلاً از جنس سنگ سلبت بوده ، در زبان فنی بنام (شیت) یاد میشود . مترجم .

(۴)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

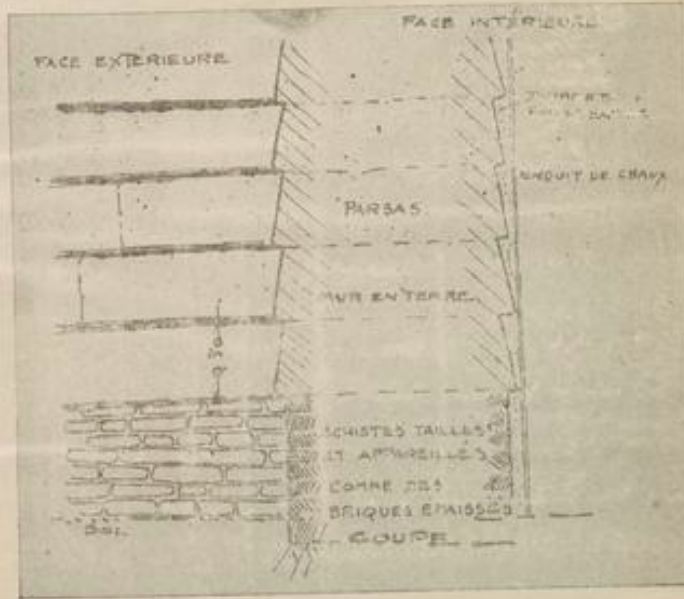
واحدی داشته اند . ساختمان این دسته عمارات ابتدائی
 همراه خشت های بزرگ بزرگ خام بصورت خشت کاری بسیار منظم بعمل
 آمده (تصویر ۸) ورخ جارچی هر قطار خشت کاری کمی مایل دارد (شکل ۳ و ۴)
 و ظاهر آ این احتیاط برای آن بکار برده شده بود تا آب باران و غیره در رد های هر قطار
 خشت کاری جریان پیدا نکرده بلکه بلافاصله پائین بریزد . در مرکز عمارت اطاق
 وسیعی وجود دارد که بهر طرف آن دو اطاق کوچک واقع است (تصویر ۱ -) که علت
 خوردی اطاقهای فرعی منور بسبب ضخامت غیر عادی دیوارهایی میباشد که درین
 اطاق بزرگ و اطاقهای کوچک وجود دارد . آن حصه که از خشت های خام بزرگ
 ساخته شده ، در اصول ساختمانی خود با ساختمان هر سه عبادت خانه هائیکه روی بام
 عمارت فوق الذکر تعمیر یافته ، بسیار فرق دارد . در اینجا باید بخاطر گرفت که عمارت
 ابتدائی مذکور . رقتیکه از نظر افتاد . داخل آن بطور باقاعده از مواد مختلفه مثل سنگ
 و خشت پر شده . به یک تهاداب پرانه تبدیل یافته بود که روی آن عمارت جدید را آباد
 کردند . و این عمارت جدید را در فرصتیکه موسیو ژان کارل برای نشان دادن ساختمان
 اصلی آن روی کاغذ بصورت مکمل ترسیم و برنگ تیره تری نمایش داده است
 (تصویر ۴) این عمارت بزرگ که بام آن هموار بود . سه حجره مستقل را دربر
 داشت . بطوریکه دینداران بقرار دلخواه . در داخل خود عمارت . مراسم مذهبی (۱)
 خود را بجا آورده میتوانستند . هر یکی از این سه حجره (تصویر ۹) دارای یک مدخل
 علیحده بود . روی آن بطرف خارج است . دیوارها با خاک رس استرکاری (چینه کاری)
 شده بمنند دیگر حصص عمارت دارای ته دابی از سنگ سلیت میباشد . هر حجره
 بصورت مدور بنا یافته که هر ضلع آن ۴۰ ر۵ متر طول دارد . ارتفاع داخلی حجره

(۱) عبادت منبرور موسوم به (براداکینا) و یک قسم دعا و عبادت مذهبی بودائی ها بوده
 است - مترجم

(۵)

آثار عقیقه کونل خیرخانه

(الف ب) و نیز بشکل يك صفحه مربع عریض اندام میکند که وسعت آن بواسطه
 ارقام ۲۹۵۰X۲۹۵۰ بدست می آید یعنی (۸۰۷۰۲۵ متر) . اما چقوری حجره (ج) کمتر



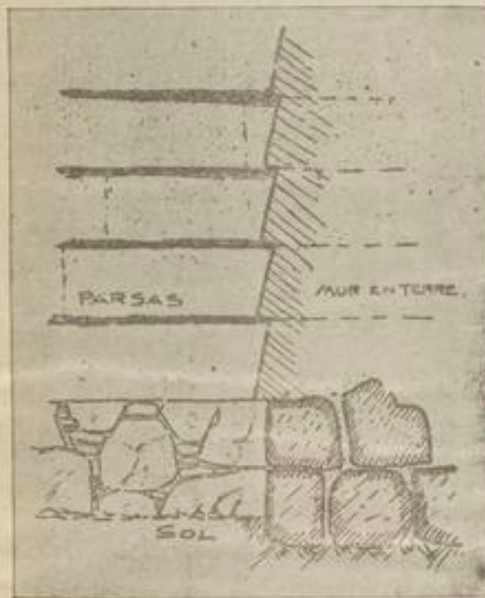
(شکل سوم)

بوده از ۲۵۰ متر تجاوز نمیکند. در تها هر یکی از این حجره ها يك کرسی وجود دارد که از تخته
 سنگهای سلیت روی هم گذاشته ، تشکیل یافته و به دیوار تکیه دارد . این کرسی در چند
 نقطه بواسطه سنگهای تراشیده بر جسته که در داخل کرسی مزبور بشکل بازوهای کافی
 تعبیه شده ، قطع گردیده است (تصویر ۸ - ۹ و تصویر ۹ - ۱۰) . کرسی مذکور
 پوشیده از يك تعداد تخته سنگهای سلیت است که بدقت تمام تراش یافته و گوشه های
 آن قدری از اصل کرسی ، بیرون برآمده (تصویر ۹ - ۱۰) . سه سوراخ چار گوشه در
 سطح این صفحه سنگی تعبیه شده است : یکی در مرکز و دو نای دیگر در دو طرف

آثار عتیقه کوتل خبر خانه

(۶)

سوراخ مر کتزی . در سو راخ های سه گانه ، سه مجسمه پیشوایان بودائی را نصب کرده و برای وصل کردن ، ورقه های نازک سنگ سلیت را بکار برده اند . پس باینقرار مجموع مجسمه های مذکور در هر سه حجره عبارت از ۹ مجسمه بوده است . و سیو ژان کارل در وقت کشف کرسی حجره (الف) سکوی مرمر سفیدی را بدست آورده که روی آن هنوز دوپای یک مجسمه وصل است (تصویر ۱) - تصویر ۱۰ - و تصویر ۱۱ - () . همچنین از میان خاکهایی که زاویه راست قسمت عقب حجره (الف) را محسوس ساخته ، یک مجسمه کوچکی کشف شده که یک (معطی) یعنی العامه دهند ؛ را نشان میدهد



(شکل چهارم)

و آن مجسمه از روی این سکوی که فوقاً به آن اشاره رفت ، کشف شده بود . مجسمه کرب النوع آفتاب و مصاحبین او را نشان میدهد (تصویر ۱۵ و تصویر ۱۶) در جریان عملیات صاف کردن دالان جدا کننده حجره (ب) و حجره (ج) کشف شده است . و بنیر این هادیگر هیچیک مجسمه کشف نشده مگر بعضی تکه های هاله نوریکه دور مجسمه رب النوع آفتاب را همراه آن احاطه میکردند و برخی قطعات زیور و غیره . تمامی اشیائی که از اینجا کشف شده (تصویر ۱)

باستثنای یک تکه سنگ سلیت حجاری شده ، عموماً از سنگ مرمر سفید بسیار اعلی تراش یافته است . بنائی که این هر سه حجره را مستور میداشت ، به یک عمارت قسبه بزرگی تکیه

آثار عتیقه کوتل خیر خانه (۷)

داشته که باثر باد و باران و غیره عوامل طبیعی، خیلی صدمه دیده است. (تصویر ۲-۳، شکل ۳) در مبهم و تکمیل شده آن را نشان می دهد. این عمارت اخیر الذکر نیز روی عبادت خانه ابتدائی که فوقاً بسوی آن اشاره شد (تصویر ۱) بنا یافته بود. يك اطاق وسیع دیگری (اطاق د) نیز وجود داشت که مدخل آن در يك پهلویش واقع و چنان بنظر می آید که بدان تر قسم الحاقیه تعبیر شده باشد. باید بخاطر گرفت که برج شمالی عمارت اخیر الذکر يك دیوار وصل شده که دیوار احاطه کننده تصور میشود. میتوان درك کرد که عمارت مخروطی که سمت جنوب و سمت شرقی و يك قسمت از سمت شمال حویلی درونی را احاطه کرده، عبارت از رهايش گاه رهبانان عبادت خانه بوده است (تصویر ۱-۲-۳) باب الحدم ها و آشپز خانه ها، در نزدیکی رهايش گاهای سمت شمالی و قدری پایین تر از آن وقوع داشته و مدخل تمامی این ملحقات بطرف شرق بوده است. باین سمت دیوار زیرین خیلی کسب ارتفاع نموده و شکل برج و بارو را بخود گرفته (تصویر ۴) در اطاق (۵) (و) (شکل ۱۷) چندین چراغ و کوزه های فراوانی از گل پخته بد ساخت از زیر خاک بیرون آمده که در حصه مدور بعضی از این کوزه ها، تزئینات مختلفه کبی بر جسته تعبیه کرده اند (بلندی اوسط این کوزه ها يك متر و قطر حصه مدور آن ۶۰ سانتی متر میباشد) - در اطاق (و) دو قطعه مسكوك قازی (از مس با مغرغ) بدست آمده که روی آن شکل ملك و ناپکی و از سلاله کوشانی و ساسانی (قرن پنجم و ششم بعد از مسیح علیه السلام) نقش است. (۱)

اینك از تشریح و معرفی عماراتیكه ما بین محوطه دیوار وقوع دارد، یعنی معبد و ملحقات آن فارغ شده، اکنون بدكر آن ملحقات دیگری میپردازیم که در سمت غرب

(۱) کتاب «مجموعه تصاویر مسكوكات موزه خانه هندوستان» اثر ونست. ای. سمث، طبع كلكته صله ۲۳۵ و تصویر ۲۵ نمره ۲ و ۳.

Vincent, A. Smith, Catalogue of the Coins in the Indian Museum Calcutta

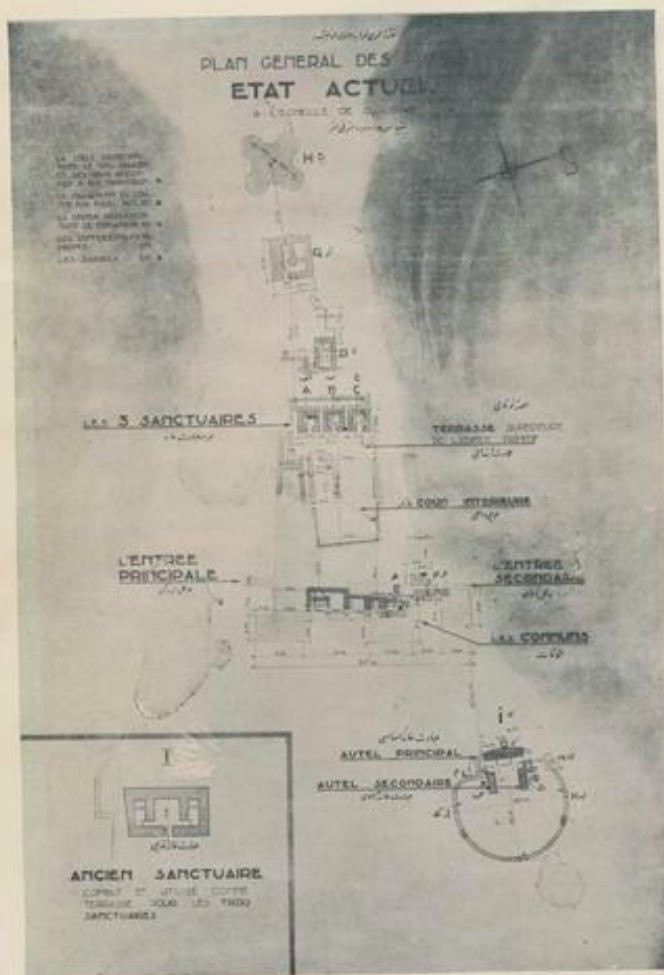
(۸)

آمار عتیقه کوتل خبر خانه

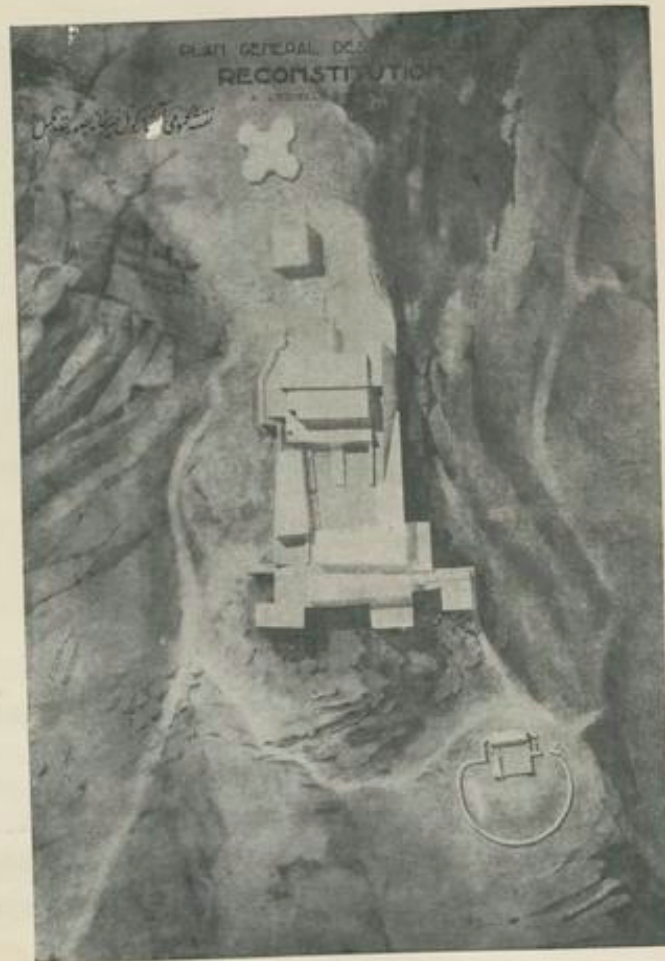
و شرق مجموعه بناهای واقع در داخل زمین پراشه، واقع و اطراف آن را دیوار زیرین احاطه کرده است، عمارت (ز) (تصویر ۱۸) که به رخ غربی دسته عمارات اساسی نزدیکتر میباشد، از خارج بشکل يك پشته مکعبی جلوه مینماید که فقط يك منفذ داشته و این منفذ با مدخل در رخ شرقی آن تعبیه شده باشد. مدخل مزبور به دالانی منتهی میشود که دالان مذکور به دو اطاق مربوط است. و زینته که در سمت چپ مدخل ساخته شده، تا بام عمارت امتداد یافته (تصویر ۱-۲-۳) دیوارهای این عمارت از خشت خام و روی يك ته داب مرکب از سنگهای ناتراشیده بد شکل بنا یافته بادیوار خوشنما و خشت کاری منظمی که در پای عمارات (الف-ب-ج) مشاهده رسیده هیچ شباهتی ندارد. ممکن است این بنا پستان تر ساخته شده و از دسته عمارات عمده عایجده باشد. همچنین، ته داب چهار کنبه که در زوایای قسمت های مدور، واقع در غرب عمارت (ز) تعبیه شده، (تصویر ۲۶-۱۸) همین نظر به را بخاطر خطوط می دهد. این عمارت بسیار بزرگ که قسمه سنگ کاریهای غیر منظمی از سنگ صلیت را در بردارد، از پائین تا بلند ترین حصص آن بقدر يك متر هم فرق مشاهده نمیرسد. چون نقشه این بنا (تصویر ۱-۳-۴) هیچ شباهتی با سنگ های معماری مکشوفه ندارد، بنا بران قائم کرده کدام فرضیه نسبت به مورد استعمال این عمارت که معماران آن برای چه خدمتی عمارت مذکور را ساخته اند، يك اقدام جبارت کارانه گفته خواهد شد.

- الحاقه دیگری که در شرق دسته عمارات عمده واقع است، از عمارت فوق الذکر کرده دلچسب تر معلوم میشود زیرا حفاری که ابتدا درین قسمت بواسطه موسیو کارل بعمل آمد، آثار کنجکاوای انگیزی را ظاهر ساخت: مثل تکه دیوار کوچک احاطه کننده که با عمارت بزرگی مربوط میباشد (تصویر ۲۶-۱۹) که عمارت مزبور ظاهراً باید معبدی باشد که در هوای آزاد بنا یافته. بنا بران در ماه نوامبر و دسمبر (۱) ۱۹۳۴

(۱) از ۲۷ نوامبر تا ۹ دسمبر ۱۹۳۴



نقشه عمومی خرابه ها بچات اوله



نقشه عمومی آثار کوتل غیر خانه بصورت مکمل

يك قسمت حفريات اصولی بزیر لفظر خود نگارنده (موسیو ژوزف هاکن) در آن
 حصه شروع شد، يك دسته عمارات كه ساختمان مخصوصی داشت، از زیر خاک بیرون
 آمد. (تصویر ۱۹ و تصویر ۲۰). این بنا شامل دیوار کوچکی است كه بانی مهارت تعمیر یافته
 و در ساختمان آن خاک آلوده یا كچ استعمال گردیده. بلندی دیوار ۵۰ سانتی متر و عرض
 آن ما بین ۷۰ و ۸۰ سانتی متر میباشد (نقشه ۱- و تصویر ۲۶-۱۹) دیوار احاطه كنده
 مذکور، تا حد عمارت (ی-ك) واضحاً بصورت مدور امتداد یافته كه قطر آن ۲۹۹ متر
 میرسد در حد عمارت (ل-م) استقامت حقیقی پیدا كرده و در حد (ل) كو یا دیوار
 دیگری شروع شده كه به رخ جنوبی معبد اتصال یافته است (تصویر ۱-). باب راست يك
 بریدگی مشاهده میرسد كه در حقیقت جای مدخلی (دروازه) میباشد. عمارت بزرگ
 (ق) كه مثل معبدی در لفظر ما جلوه ميكند (تصویر ۲۷-۱۱) از روی نقشه ساختمانی
 خود مستطیلی گفته میشود كه رخ غربی آن کمی مدور است (تصویر ۲۸-۱۱)
 تها ب سنگی این بنا بكمال دقت تعمیر و سنگ کاری آن بصورت بسیار درستی بعمل آمده
 نشانه استر كچی بر رخ جنوبی بنا هنوز مشاهده میرسد. حفریاتی كه در وسط حصه فوقانی
 تعمیر (تصویر ۲۹-۲۲) بعمل آمده، سنگ کاری هائی را مكشوف ساخته كه با انتظام
 تمام روی هم قرار گرفته و در سنگ کاری خاكستر سفید و خاك آمیخته با خاكستر
 ذغال بكار رفته است. در پای معبد، نزد يك سطح زمین، استخوان های انسانی، تکه
 های جعبه، بازو، توله پای بقمار كثیر از زیر خاک بیرون آمده. در مردوآتهای شرقی
 این معبد عمده، بصورت عمودی دو بنای بزرگی باند شده (تصویر ۲۲) (ر-ش)
 كه نقشه آن مستطیل و انتهای رخ شمالی و جنوبی آنها بقسم بریدگی حقیقی امتداد
 یافته است. اما چنان بنظر می آید كه برآمدگی سمت شمالی بریدگی عمارت (ش)
 بعدها در از كدام ترمیم قطع شده خواهد بود. نقشه مخصوص و عجیب این الحاقیه ما را
 وادار میسازد كه در باب تعین مورد استعمال آن، از اظهار لفظر به خود داری نمانیم. لیكن
 باوجود این چسارت نخواهد بود اگر تذكر بدهیم كه این محوطه برای كدام مقصد مذهبی

ساخته شده بلکه در خود تمایل احساس میکنیم که بگوئیم محل مزبور برای اجتماع عادی اهل مذهب تعمیر یافته خواهد بود .

این سه حجره مستقل که در يك عمارت واحد بزیر يك بام هموار واقع بوده علاوه بر مذکور دالان های رواق داری را در بر دارد ، مجموعاً يك عمارتی را تشکیل میدهد که ما میتوانیم از ناحیه مهندسی آنرا با عمارت دیگری مقایسه کرده ، خصوصیات بسیار دلچسپی را از آن استخراج نمائیم ، بطور مثال معبد کوچکی را که بسال ۱۹۲۰ نزدیک فریه (بهومارا) در ولایت (ناکود) به ۱۵۰ کیلومتری جنوب غرب الیه آباد هند (۱) کشف و اصلاً برای (سیوا) معبد هندوها ساخته شده است ، نمونه قرار میدهم . این معبد که بقرار نظریه مستر آر. دی بترجی ، در وسط قرن ۵ مسیحی بعقیده مستر جان مارشل در قرن هفتم میلادی تعمیر یافته ، يك نمونه مشخص مهندسی براهمانی سبک گویا بشمار میرود مستر بترجی اظهار نظریه نموده است که معبد مزبور کاملاً شبیه معبد پرواتی (۲) است که بنام « لشتا کوتهارا » در ولایت اجی کاگره .

(۱) کتاب « معبد سیوا در بهومارا - خاطرات اداره عتیقه شناسی هندوستان » نمره ۱۶ طبع کلکته ۱۹۲۴ تألیف بترجی R. D. Benerji, The temple of Siva at Bhumara, Memoir of the Archaeological Survey of India .

(۲) کتاب « راپورت هیئت عتیقه شناسی » تألیف کنگهام چند ۱۱ صفحه ۹۵-۹۷ Cunningham, Archaeological Survey Reports
و دیگر کتاب « مجموعه راپورت تدریجی هیئت عتیقه شناسی هندوستان » دائرة غربی بابت سالیکه در ۳۱ مارچ ۱۹۱۹ خاتمه یافته ، صفحه ۶۰ - ۶۱ فقره ۲۶ تصویر ۱۵۰ . Annual Progress Report of the Archaeological Survey of India .
همچنین بنامی « کما ندی پلاو سان » واقع در جاوا که اصلاً از بیرون مذهب بودائی بوده اما نقاشی های آن باسم سیوانی (براهمانی) میباشد و شامل سه حجره ایست که از پهلوراه دارند ملاحظه شود کتتاب آثار بودائی باتا و با تألیف جی. سابل منر De tjandi mendet, tijdschrift van het Bataviaasch genootschap von kunsten en wetenschappen. J.L. Moens

در مانع کائی نزدیک هند هم يك حجره رواق دار کشف شده . (حفاریات ژ - بارتو)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه (۱۱)

تقریباً ۶۰ کیلومتر بشمال غرب قریه (هوما را) وقوع دارد . تنها فرقی که مابین معبد نشنا کوتهارا و معبد هوما را وجود دارد ، اینست که اول الذکر دارای یک طبقه فوقانی بوده اما اخیر الذکر طبقه فوقانی ندارد و فقط دو عبادت خانه بسیار کوچک در دو طرف زینه آن که بر صحن زمین فرود می آید ساخته شده است . اما در هر دو معبد مذکور (عبادت گاه اصلی کوهها کرها) از یک اطاق بسیار بزرگی محاط میباشد و فاصله بین دیوار داخلی شکل یک رواق مدور ، برا داکسینا پادها دارد برای آنکه مقایسه ما خوبتر در نظر خواننده مجسم شده بتواند ابعاد هر سه معبد یعنی اول معبد نشنا کوتهارا دوم معبد هوما را و سوم معبد کوتل خیر خانه (کابل) را نیز شرح میدهم . این ابعاد عبارت از بزرگی یک حجره است .

ابعاد خارجی معابد	ابعاد داخلی
معبد نشنا کوتهارا (هند) ۴۷۵ متر مربع	۲۴۵ متر مربع
• هوما را (هند) ۴۴۵ •	• ۲۴۵ •
• خیر خانه (کابل) ۵۴۰ •	• ۲۹۵ •

ما میتوانیم که چندین معبد دیگر سبک کوتهارا نیز درین مقایسه داخل نمایم بدون آنکه ابعاد و بزرگی آنها از ارقام فوق فرقی زیادی بکنند - مقایسات ما - طوری که دیده شد - یک حجره را در بر میگیرد ولی باید بخاطر گرفت که این قسم معابد سه حجره می در هندوستان کیاب نیست . چنانچه مستر بنرجی در شروع اطلاعی که نسبت به معبد هوما را نوشته ، از یک معبد سه حجره می دیگر سبک کوتهارا که بنام « دیو کونا » در ولایت « جاسو » نزدیک هوما را کشف شده ، نیز ذکر نموده است (۱) مقایسه معبد خیر خانه و معبد هوما را تنها به قسمت مهندسی محدود نبوده ، بلکه قسمت تصاویر و هیکل شناسی این دو بنا نیز نزدیکی عجیبی یکدیگر دارد ، که پس از مطالعه مفصل کشفیات عمده کوتل خیر خانه یعنی دسته مجسمه های مرمر سفید که رب النوع آفتاب و مصاحبین او را نشان می دهد ، بدکتر آن می پردازیم :

(۱) آر - دی - بنرجی - کتاب قبل الذکر تصویر - ۱

رب النوع آفتاب بقسم اروپائی نشسته یعنی پاهایش از همدگر دور می باشد . دستهایش که از حد مجع ها شکسته بالای رانهایش تکیه دارد ، پاهای و رانها اگر بانه و کله مجسمه مقایسه کرده شود از اندازه طبیعی خیلی خورد تر بنظر می آید (۱) سر مجسمه به تنهایی پنج يك تمام بدن آنرا تشکیل میدهد که تناسب بسیار غلطی را ارائه میکند (قاعده هیکل تراشی پولی کلت ۱ بر ۷ و قاعده هیکل تراشی لیزیب ۱ بر ۸) و کاملاً شبیه حالت مجسمه بودای معجزه کبیر پتناو . (سمت شمال کابل است) که سابقاً در وقت مطالعه منور این حقیقت را تذکار نموده ایم (حفريات سال ۱۹۲۴) (۲)

چهره رب النوع آفتاب جزئیات مخصوصی را بنظر جلوه می دهد . اختلافی که در حلقه و چشمها یعنی استخوان زیر ابرو وجود داشته ، و حلقه منور مایل غیر طبیعی دارا میباشد ، پشانی مجسمه را که از بالا بطرف پائین برجسته کی دارد ، شکل مثلث نمائی بخشیده است . (تصویر ۲۰ - ۱۶) .

چشمان مجسمه که برآمده و مسطح سر و از هم خیلی دور واقع شده کاملاً با چشم بادامی ، مطابقت میکند . بینی خمیدگی حقیقی دارد . دهن کناد و خوش ساخت میباشد . زنجیر صاع و خیلی برجسته بنظر میرسد (تصویر ۲۱ - ۱۶) . موها دراز و بواسطه يك خط وسطی بدو قسمت تقسیم شده و مرکب از صف صف زنگوله های مجعد کوتاهی است که به بسیار دقت طبقه بندی شده . زنگوله های روی هم ریخته قسمت بزرگ گوشها را مخفی نموده و فقط کناره گوش مکشوف میباشد که

(۱) بالاته و که ۱۲۲ متر . تنه اسر ۴۸ متر . سرین ۵۴ متر . پاها ۷۴ متر . بلندی مصاحب دست راست ۱۲ متر . بلندی مصاحب دست چپ ۱۰۵ متر . بلندی مجموع ۴۲ متر .

(۲) کتاب « عملیات هیئت عتیقه شناسی فرانسی در افغانستان » طبع توکیو ۱۹۳۳ صفحه ۱۷ تألیف ژ . هاکن .

J. Hackin. L'oeuvre de la Délégation Archéologique française en Afghanistan, Tokio 1933

مزین با تزئینات سنگینی بنظر جلوه میکند . تاج رب النوع آفتاب پشودیده
 از يك فتنه است که قسمتی از آن مزین با میخها یا کنده های مطلای مستطیل
 شکل بود . میخهای مزبور بوسیله پارچه های باریک تیغ مانند فلزی از هم جدا
 شده است ، بهر دو طرف سر ، در نقطه که تزئینات میخهای مطلای ختم میشود ، فتنه
 مزبور دو کره بزرگ تشکیل داده و در عقب سر بشکل سر پیچ تبدیل یافته و هر دو
 انتهای آن بمهارت تمام زیر حصه سر پیچ مزبور دور داده شده گری را بوجود آورده
 و بطور عمودی بسمت پشت مجسمه افتاده است که در آنجا بواسطه چند چین حقیقت تشخیص
 داده میشود (تصویر ۱۹ و ۱۵) . تاج مزبور مرکب از مثلث يك مثلثیست که بعد از هر
 گل سدره (بر) نیم شکفته تعبیه شده که پنج برک آن بیچشم دیده میشود . يك سلسله
 تزئینات مروارید که بشکل قوس های کوچک ساخته شده ، اجزای مرکبه تاج را احاطه کرده
 است . بالاتنه بزرگ این مجسمه ، ملبس به يك پلان (۱) ییخته است که کردن آن را
 پوشانیده - قسمت کلی حصه تختانی پلان مزبور بواسطه افتادگی شالیکه روی بازوی
 مربی آفتاب افتاده ، مخفی شده است . باوجود این ، کنار پلان که عبارت از يك
 رشته مروارید است بیچشم دیده میشود . در واقع برش این پلان باطرز برش لباس
 مصاحبین دوگانه که بدو طرف رب النوع آفتاب قرار دادند ، یکی بوده تنها قسمت
 تختانی آن ممتاز است که از روی آن مابین پلان رب النوع آفتاب و مصاحبین او فرق
 میتوان کرد . زیورات عبارت است از يك گلوبند مرکب از مروارید های درشت که
 در زیر آن يك حصه آویزه وجود داشته دو زنجیر از آن امتداد یافته و در نوك زنجیر ها
 يك تیرك آویخته است . کنده ها یا میخهای طلائی بزرگ مستطیل شکل که روی
 نگین دان مقعر کی (که قابل قات شدن) نصب شده ، عموداً واقع و به گریبند وصل یافته
 و دو ردیف مروارید بهر دو حاشیه کنده های طلائی مزبور نصب گردیده است و بالاخره

(۱) اینکه پلان میگوئیم مثل پلان امروز ، بلکه پیراهن در از پیش بسته بوده که روحانیون

قدیم میپوشیده اند . (مترجم)

حاشیه مر وارید بکه نوك آستین یلان را زیفت خشیده ، و دوازو بند سنگین ، زیورات
مجلل رب النوع آفتاب را تکمیل نموده است . گریه که مزین به میخ های طلائی است
در خالی گاه گرجای دارد و نوکهای مدور و خمیده آن در يك حلقه بهم وصل شده . شال
چنانکه گفتیم ، روی توله های دست افتاده و دامن یلان را مخفی ساخته است . پاپوشهای مجسمه
مر بی آفتاب پاپوشهای امر و زده اوز بکها و اتراک آبیای وسطی را بخاطر خطور میدهد .
پاپوش مزبور عبارت از دو پاپوشی است که یکی درین دیگری جای دارد . پاپوش داخلی یا موزه
از چرم نازک و بی کمری بوده ، عیناً مثل موزه مسیح مروجه امروز ، در پاپوش خارجی
دیگری که کلفت تر میبود داخل میشد و این پاپوش خارجی را در وقت داخل شدن
در میان عمارات از پای خود میکشیدند . در مجسمه که تحت نظر ما است ، پاپوش داخلی
یا موزه بواسطه يك بند میان خلی بر پشت پای محکم شده که بند مزبور ذریعه يك حلقه
کنده دار بهم وصل و نوکهای آن بدو طرف پاپوش خارجی آویخته است . باید یاد
داشت گرفت که يك ردیف مر وارید ، قسمت فوقانی پاپوش داخلی را احاطه کرد
و همین تزیینات بشکل عمودی در قسمت وسطی پشت موزه که روی استخوان توله پای
قرار دارد ، نیز ادامه یافته و تا نوك پنجه ها رسیده است .

مر دو مصاحب (۱) به يك وضعیت مخصوصی ایستاده اند (تصویر ۱۵) قسمت
تحتانی جسم آنها در حد کمر کجی واضحی را نشان میدهد که از سبب تمايل مجسمه های
مذکور میباشد یعنی مصاحب طرف راست ، بسمت راست و مصاحب طرف چپ بجنب چپ
خم شده اند . وزن جسم آنقدر پشت بالای پای سمت خمیدگی افتاده که خمیده گی
معاونین مزبور زیاده از اندازه لزوم بنظر رسیده حتی سرهای شان نیز پشت خم گشته
است . برای فهمیدن مقایسه هائی که ذیلاً بعمل خواهد آمد ، باید همین وضعیت خمیدگی
مخصوص معاونین موصوف را بخاطر گرفت .

معاون طرف راست موهای غلو دارد ، قلیه های با قاعده ریشش با ترتیب و انتظام

(۱) بلندی مصاحب دست راست ۱۲ ر . متر و بلندی مصاحب دست چپ ۱۰۵ ر . متر .

موی سر بیشتر شباهت می‌رساند ، در گندهارا (صفحات شرقی افغانستان تا شمال غرب هند) و آسیای مرکزی ، چنین هیاکل و تصاویر اشخاص وحشی برونی وریش دار شبیه این نمونه خیلی فراوان است . در آسیای مرکزی قبیله های ریش را مطابق ترتیباتی می‌ساختند که اصلاً بوضوح از آن نمونه گندهاری تحریف شده بود که قبیله های آن خیلی کم بزرگتر آمده بود (۱) یعنی مصاحب من بور کو بان دار و چشمانش بزرگ اما نسبت به چشمان رب النوع آفتاب ، کمتر از حدقه برآمده بنظر می‌آید ، گوشواره های او ، مدور شکل و یا یک ردیف مروارید حاشیه داده شده است . کلاه مخروطی شکلی بر سر دارد که پارچه دیگری در قسمت عقب آن امتداد یافته و برای پوشاندن پشت سر میباشد . برش مخصوص کلاه و کنارۀ مروارید دوزی آن ، به فتنۀ تاج رب النوع آفتاب شباهت زیاد می‌رساند ، بالا پوش کوچکی برشانه دارد که نوکهای آن بواسطه حلقه برسینه‌اش وصل است . بازوی راستش به‌هوا بلند و در دست خود که انگشتان آن قات شده ، یک قسم چوب کوچکی را محکم گرفته که قسمت نوک آن ارباب تراش یافته و در کف دستش چسبیده بنظر می‌رسد . دست چپ بطرف سینه برگشته و دران یک برک مستقبل شکل دیده میشود . این شخص شلوار و موزه های ساده و بی زینتی را در بر دارد .

معاون طرف چپ ، ریش ندارد و موهای مجعد او شبیه موی سر رب النوع آفتاب میباشد ، کلاهش عبارت از یک کلاه گوش پوشک است که دودانه گل سمره (پر) ترتیبات آن را تشکیل داده لباس این شخص مالباس مصاحب دست راست شباهت واضحی بهم می‌رساند . دست چپ او بر سبزی تکیه دارد که حصۀ فوقانی آن مدور و حاوی زینتی است بشکل مربعات پست و بلند . در دست راست خود ، نیزه کوتاهی را محکم

(۱) کتب را پورت ابتدائی « هیئت اعزامی روس در ترکستان » اواد نیوزک طبع سن پترزبورگ ۱۹۱۲ صفحه ۱۰ شکل ۸ و ۹ .

گرفته که آهن خنجرى نوك آن بالای يك تاوه مدور تزیینی استوار شده و این تاوه مدور مزین بارگهائی است که آن را بشکل برک جلو میدهد .

این سه شخص (رب النوع آفتاب و هر دو مصاحب با معاون او) بر يك صف قرار گرفته اند که مزین است با سه خطی که ذریعه سه رده (فرو رفته گی مستقیم) از هم جدا شده ، در حصه وسطی آن يك فرو رفتگی حقیقی احداث شده که طول آن (۴ ر) متر و عمقش (۱ ر) متر میباشد . درین فرو رفته گی سر يك شخص دیگری قرار گرفته که چهره ساده و بی مودارد و از طرف مقابل نشان داده شده است . این شخص يك قسم کلاه دستار مانندی بر سر داشته تنها حصه بالای سینه اش که برهه است و بنظر می رسد و چنان می نماید که گویا از حصه پیش روی يك گادی که بشکل منحرف نقش شده ، ظاهر شده باشد . شخص موصوف (۱) شلاقی را بهوا بلند کرده و در دست چپش که مقابل تنه او قرار دارد ، جلوهای را محکم گرفته که يك جوړه است به آن مربوط بوده . اسپهای مذکور در حال رفتار بقسم نیم رخ بدو طرف را ندیده نشان داده شده است . در اینجا باید دانست که سرها و پاهاى پیش اسپها بطرف کنج بنامتهائل بوده (تصویر ۱۸ ، ۱۵) که باهیکل تراش خواسته است که از قسمت های زودشکن احتراز نموده باشد . قابل دقت اینست که اسپها برین زده شده اما در گادی بسته نیده شده زمین مرکب است از يك لشبمن گاه چونی (؟) بار و پوش چرمی که تزیینات مربع داشته باطراف آن مرعات كوچك كوچك وجود دارد و این زمین روی يك عرق گیر (ندی) قرار داده شده که مزین به يك ردیف مروارید (اسب طرف راست) و کنده های مستطیل نمائی است که در نوك های آن ها پارچه های الیاس نصب کرده اند (اسب طرف چپ) . زمین بوسیله يك شکم بند

(۱) برار اساطیر بودالی گادی وان رب النوع آفتاب که « آروتا » نامبرادر « گارودا » میباشد با تو ولادت يك پسر پیش از وقت « مورد توییخ بادار خود واقع و پاهایش بریده شده . بود هیکل آروتا طوری که درین بنای کوتل خیر خانه نشان داده شده بسیار طبیعی معلوم میشود و چنان مینماید که پاهای را ندیده بواسطه پیش بر آمدگی گادی مخفی شده است .

(تنگ) که تزیینات مربع دارد بر پشت اسب محکم و ذریعه سینه بندودم چپ جا میخاشده است جلو (عنان) (۱) پوسیله يك دسته موی یا زینت یافته - پال ها بدقت تمام بریده شده مابین ساغری اسبها يك جسم هشت رخ مشاهده مرسد که مقصود آن فهمیده نمیشود اگر بگوئیم شکل منحرف گادی يك چرخه (۲) باشد ، آهم چندان مقرون بقیاس بنظر نمی آید :



(شکل الف)

فصل دوم

اینک از معرفی و تشریح بنای سنگی مکشوفه از کوتل خیرخانه فارغ شده ، فرصت داریم - که از روی يك سلسله مقایسات اجزا و عناصر بنای مزبور - تاریخ آن را بخود

- (۱) جلو مزبور ، عبارت از تواب معمولی ، بلکه يك لکام مکمل است .
- (۲) فصل ۱۲۵ کتاب « مستیا پورانا » طرف آخر ۳۸ روایت « تالینی کانتاها تا سالی ایم - آ » کتاب « تصویر شناسی حجاری های بودائی و براهمانی در موزیم د که » طبع د که ۱۹۲۹ صفحه ۱۶۱ - ۱۶۲ و نیز دیده شود کتاب « غارهای سوان هوانگ » تالیف « پول پلویو » تصویر ۱۵۶ (تصویر يك گادی رب النوع آفتاب که يك چرخ دارد .)

1 - Mastya-Purana, cité par Nalina Kanta Bhattachali M.A: Iconography Buddhist and Brahmanical Sculptures in the Decca Museum
2 P. Pelliot, Les grottes de Touen-Houang.

معلوم نمائیم . اولتر از همه باید تذکار کنیم که طرز لباس رب النوع آفتاب برای ما مجهول نه بلکه از یک قسم معروف است . زیرا حجارهای طاق بستان (در خاک ایران) که سه تن از سلاطین ساسانی یعنی شاهپور دوم (۳۰۹ - ۳۷۹ میلادی) اردشیر دوم (۳۷۹ - ۳۸۶ میلادی) و شاهپور سوم (۳۸۳ - ۳۸۸ میلادی) را نمایش می دهد سلاطین منبور هم همین قسم لباس در بردارند . شاهپور دوم و شاهپور سوم در یک بنای واحد پهلوی هم نمایش داده شده اند (شکل الف) . اردشیر دوم روی یک سنگ در حضور ارمن در رب النوع می ترا (۱) بطور برجسته نقش شده که در آن حال ارمن در برای شاه موصوف اراضی و املاک بخشش میدهد . پروقیس هر ز فلد می نویسد که « لباس این اشخاص لباس قرن سوم نیست : رخت درازی تا زانو بایش آمده اما بطرف راست و چپ بلند پریده طوریکه به پیش دامنی مدوری شباهت بهم می رساند » .

پروقیس هر ز فلد علاوه میکند که « لباس طبیعی دوره دوم ساسانی همین لباس فوق بوده است » (۲) ما از طرف خود تصور نمیکشیم که پلان دراز منبور از طرف راست و چپ بالا پریده باشد . هر گاه به بنای مکشوفه از کوتل خیرخانه که از روی آن پیش از هر قسم نقوش برجسته سنگی « به آسانی جزئیات لباس را میتوان مشاهده کرد » متوجه شویم ، ملاحظه خواهیم کرد که پلان به چنان شکل مخصوصی پریده شده است که حرکات سوار و پیاده هر دو در آن یکمال سهولت اجرا پذیر می باشد . چنان معلوم می شود که استعمال این قسم لباس به عهد سلطنت شاهپور دوم « اردشیر دوم

(۱) کتاب « در آستانه آسیا » تألیف پروقیس هرزفلد طبع برلین ۱۹۲۰ تصویر ۲۹ و ۳۲ مقاله هرزفلد در مجله صنایع آسیائی جلد سوم صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹ و تصویر ۱۵ و کتاب « هفتین سلطنت شرقی » تألیف جی - راولسن صفحه ۲۶۱ .

(۲) « مجله صنایع آسیائی » از قلم هرزفلد - جلد سوم صفحه ۱۳۸ و ۱۳۹ .

1- Pr. Herzfeld-Am tor von asien.

Pr. Herzfeld (Revue des arts asiatiques).

G. Rawlinson, The seventh oriental monarchy.

2 - op. cit

آثار عقیقه کوتل خیرخانه (۱۹)

وشاهپور سوم محدود بوده است (۱) (شکل دوم) در شکل منور مشاهده میتوان کرد، که آستین پلان سلاطین موصوف بایک ردیف مروارید حاشیه داده شده - علاوه برین در سر و بر سلاطین موصوف بسا زیورات دیگر به مشاهده میرسد: یک گلوبند مروارید و بند های زیاد منین یا میخهایی که بکمر بند کشادی می پوشیده و کمر بند منور از کمر بند کوچک دیگری بوضوح تشخیص داده می شود - رب النوع آفتاب که از کوتل خیرخانه کشف شده، فقط یک کمر بند دارد - بطوریکه بند های منین بر میخها یا کند - هاجیلی پائین تر قرار گرفته اما اساس بند و بست کمر بند یکی است - موزه خانه ارمی ناز، لینگراد، بسا اسناد مقایسه بدست می دهد (۲): در موزه خانه منور دو ظرف قتره ئی وجود دارد که نمونه های زرگری ساسانی بشمار رفته بر این ظروف صحنه های شکار بکمال دقت نقش شده است - در یکی از این صحنه ها شخص شخیص که بدن پلنگی را بواسطه خنجر خود شکاف کرده (شکل ب) با کور - خری را اسیر گرفته شاهپور سوم (۳۸۳ - ۳۸۸ مسیحی) میباشد - شاه موصوف لباس دامن کردی در بردارد - آنچه قابل ملاحظه میباشد اینست که دامن مدور لباسش را یک ردیف مروارید حاشیه داده است (مثل لباس رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خیرخانه تصویر ۱۴) - همین قسم تزئینات در نوك آستین ها و حصه وسطی پای از نوك پنجه تا

(۱) بر یکی از ظروف موزه ارمیتاژ لینگراد - خسرو نوشیروان (شکل ز) در حال سکون بر فراز تختی که اسبهای بالدار آن را بر داشته است - نشان داده شده و دربار یانش اطراف او ایستاده و خود شاه پیش دامنی دراز رخ نری در بردارد - کتاب زرگری ساسانی اشپای علا و قتره ویرنج - آلف ز - اوربلی و - سی - نری و - طبع لینگراد ۱۹۳۵ تصویر ۱۳ -

3 - J. Orbeli-et-C-Trever : Orfèvreries Sassanide, objets en or argent et bronze. (Academia)

(۲) کتاب زرگری ساسانی... تألیف ز - اوربلی و - سی - نری و (قبل الذکر) تصویر ۸ و ۷ -

(۲۰)

آثار عقبه کوتل خیر خانه

آخر ران (۱) وجود دارد (۲) (شکل ب) . يك وسیله دیگر برای مقایسه در دست
است که تا کنون از آن استمداد ننموده ایم و آن طرز ساختن کلاه میباشد . کلاهیکه



(شکل ب)

(۱) همین قسم تزیینات بر يك تکه مجسمه موجوده در «موزه خانه آثار عقبه شرق قدیم» استانبول
تیز بشاهده میرسد (پای و حصه ران راست مجسمه) که این مجسمه در حقیقت يك شاهزاده سپاهی
میش آتوری را نشان میدهد (تقریباً قرن سوم میلادی) . در آثار قدیمه پالمر (سوریه) رشته
کناره دوزی شده نمودی که در حصه و سطلی شلوار از بالا تا پایین امتداد یافته . اکثرآ با
سروار پد های فراوان مزین میباشد سکه شلوار د و یاد شاه مغ اولیه روی یکسری از خاتم
کلزهای «سان آیولی نیارنیوو» بمقام «راون» (ایتالیا) شش یافته . نیز همین قسم تزیین شده است و هم
با پدرش عجیب حصه تختانی یلان رایباد داشت گرفت کتاب Hausenstein: Kinstgeschichte
تالیف «هوسنستن» صفحه ۸۳ . (۲) « رساله سکه شناسی شرقی » تالیف ز - مورگان حصه دوم
صفحه ۳۱۵ - « رساله مسکوکات یونانی و رومی » اثر بابلون که ز - مورگان بحصه سوم آن تحت
عنوان « مسکوکات شرقی » مضمونی نوشته جلد اول حصه سوم - تصویر ۹۰ .

J. de Morgan: Manuel des numismatiques orientales



رب النوع آفتاب مکشوفه از کونل غیر خا (از روی ذائب گبری موزه گیمه پاریس)



سور یا رب النوع آفتاب از سنگ خاراى ماشورا (کلگیون ای - زاول)

آثار عتیقه کوتل خبر خانه (۷۱)

بر سر شاهپور سوم است ، از کلاه هائی که اسلاف و اخلافش میپوشیده و در حقیقت با هم دیگر فقط بواسطه بعضی جزئیات ساختنی تفاوت داشت ، کاملاً فرقی دارد (شکل ج) . کلاه موصوف عبارت از تاج همواری است که حاشیه آن با گلهای کوچک کوچکی زینت یافته (۱) . پروفیسر هرزفله تاج مزبور را رسم کرده (۲) که اینک ما در اینجا عین همان رسم را نقل میکنیم (شکل ج) . گلهای کناره کلاه دارای پنج برکت است که در میان قوسها ترسیم یافته است . تاج رب النوع آفتاب که از کوتل خبر خانه بدست آمده نیز مزین با گلهای پنج برگی میباشد و همچنین با تزیینات تاج هر دو شی که موضوع مقایسه ما است بهم نزدیک میسراند . تاجهای مذکور یعنی تاج شاه



(مکشوفه از طاقستان) و تاج رب النوع آفتاب (مکشوفه از کوتل خبر خانه) تنها از رهگذر تزیینات خود با هم مشابه نیست بلکه از روی شکل نیز خیلی نزدیک هم معلوم میشوند . تنها تاج رب النوع آفتاب از تاج شاه ساسانی قسری خورد تر میباشد .

مقایسه آنکه به نسبت لباس و کلاه آثار مکشوفه ، سودم . چنان نکتاتی را بدست داده که از روی آن

(شکل ج)

تاریخ آثار مزبور خیلی بهم نزدیک معلوم میشود . ما میدانیم که لباس دامن گرد در عهد سلطنت شاهپور دوم اردشیر دوم و شاهپور سوم یعنی از ۳۰۹ تا ۳۸۸ میلادی مروج

(۱) کتاب Am tor von Asien اثر پروفیسر هرزفله صفحه ۶۱ شکل ۱۴
(۲) ملاحظه حاشیه نمره (۲) در صفحه ۱۲ همین کتاب .

تاج مدور کلداری مخصوص شاهپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ میلادی) بوده است .
 یفسانده نخواهد بود اگر تذکر بدیم که مسکوکات شاهپور دوم و اخلاف او
 مخصوصاً در منطقه کابل بکثرت یافت میشود در اینجا باید تذکار نمود که ذخیره مسکوکات
 قرئی که بواسطه موسیو (ژان کارل در ضمن حفريات ، تپه مر نیجان ، (۱۹۳۳)
 (در دو کیلومتری شرق کابل) کشف شده مشتمل است بر مسکوکات عهد شاهپور دوم
 (۳۳۸ قطعه) وارد شیر دوم (۱۴ قطعه) و شاهپور سوم (۲ قطعه) . این سه پادشاه
 بلافاصله پیش از هجوم تبار کشته مجار های سفید ، یعنی قرن پنجم عهده مسیحی در ایران
 سلطنت کرده اند .

فصل سوم

در شروع این کتاب و قتیکه نسبت به شخص عمده وسطی مجسمه سه تفری مکشوفه
 از کوتل خیر خانه تشریحات دادیم ، اشاره مختصری بسوی مقام عظمت او که منسوب
 به آفتاب است ، نمودیم . اکنون باید درین باره تفصیلات لازم را داده ، ادعای خویش را
 باثبات برسانیم . اثبات این ادعا بقدری آسان و ساده است که بجز ازارانه شهادت صریح
 و واضح کتب معتبره و تقویه آن بواسطه آثار مکشوفه شناخته شده ، دیگر کار و زحمتی
 لازم نمیباشد . بنا بران اینک باز امداد متقابلیکه همیشه کتب و اقیه برای یکدیگر خود
 تهیه میکنند ، بطرفداری ما وارد بحث میشود .

کتب مهمه مذهبی هند از قبیل « امسوی داکاما » (۱) و « برهات سامهی تا » بطور

(۱) کتاب « عناصر تصویر شناسی هند » اثر کو بی تا تارا نو - جلد اول حصه دوم
 صفحه ۳۰۶ - ۳۰۷ . Gopinata Rao, Elements of Hindu Iconography

متفق علیه تذکر می دهند که « رب النوع آفتاب لپامی مطابق رسم و رواج شمال هند در بر کرده دودانه گل سدره (پیر) را بدستهای خود میگرفت » - کتاب « اموسپی دا گاما » (۱) تذکر می دهد که « دستپاش بایستی طوری بانه میبود که مچهای آن که حامل گامهای سدره بود ، بخاذی شانه هایش واقع میشد » (۲) و وضعیت نول دستهای شخص وسطی مجسمه سه قری کوتل خیر خانه (که اکنون از حد بند های دست شکسته) نشان می دهد که در سابق عیناً همان وضعیت مشر وحه کتب قدیمه فوق را داشته است .

تشریحاتی که در کتب فوق الذکر راجع به مصاحبین رب النوع آفتاب قید شده ، از بس واضح و دقیق است ، معرفی شخص وسطی یعنی رب النوع آفتاب را تصدیق مینماید برای این مقصد يك قسمت از تفصیلات مشخص کتاب « متسیاپورا نا » را ملا حظله مینمائیم (۳) :-

« بطرف راست سیوریا (رب النوع آفتاب) باید چهره خوشنمای (دندا) و بطرف چپش صورت تیره رنگ (پنگالا) نمایش داده شود . و هر دو نفر مطابق رسم و رواج شمال هند ملبس و پنگالا يك بر یک خرما و يك نی قلم را در دست خود گرفته باشد » - کتاب « بهاویز یا پورانا » هم تفصیلاتی چند نسبت به مصاحبین رب النوع آفتاب داده است :- « اس وینی دی واتا » ها (یعنی مصاحبین نیز در دو طرف سیوریا) یعنی رب النوع آفتاب (نمایش داده شده میتوانند و یا بطرف راست (سیوریا) (پنگالا) سمت چپ او (دندا) را میتوان دید که در دست اول الذکر يك دوات و يك قلم نی و در دست

(۱) رب النوع آفتاب که در نزد « ای ژاوال » وجود دارد (مقدسه میپورانا) يك تصویر بسیار عالی را ارائه میکند که تشریحات فوق الذکر را زنده و مجسم میسازد (تصویر ۲۴) مازموسیوای ژاوال که اجازه داده اند ، تصویر این آیه نشر نشده شان را در اینجا نشر نمائیم صبیانه اظهار تشکر میکنیم . « ژ - ها کن »

(۲) مجموعه « وانگاواشی » صفحه - ۱۷۰ . Edition Vangavasi

(۳) کتاب « عناصر تصویر شناسی هندو » اثر گوپی ناتھاراتو - جلد اول حصه دوم صفحه ۳۰۶ - ۳۰۹ - ترجمه انگلیسی کتاب « متسیاپورا نا » در رساله « کتب مقدس هندو ها » نشر شده است . جلد ۱۷ Sacred Books of the Hindus

(۲۴)

آثار عقیده کوتل خیرخانه

ثانی الذکر یک دهنه (چوب کوتاه و کلفت) میباشد. از باب انواع موث را چنی و ده یکدوبهه
نیز باید بد و طرف سیور یا قرار داشته باشند. پس هر دو تقریباً در کتب قدیم بنام
پشکالا و دند یاد شده اند، یکی بشکل منشی و دیگر بشکل مرد جنگی معلوم میشوند.



شکل (د)

در باره پشکالا گفته شد. که ممکن ریش دار باشد (۱) واقعاً همین شخص

(۱) بعضاً پشکالا بشکل (ویداهتا) یعنی براهمانایش داده شده (متسایپورانا فصل ۱۴۰) این
تفصیلات بواسطه نشر یعنی که در کتاب « بهاویز یا پوزانا » درج است نیز تأیید شده و متن نشر بهات
مربور قرار ذیل است. « منهای برهن پیرو سیور یا » عادت ریش ماندن را دارند ز بر ابراهما که
برگادی آفتاب نشان داده شده. و خود رب النوع هر دو ریش دار میباشد « کتاب « تصویر شناسی
حجاریهای « دانشی و بر اهرامانی « مؤلف « ک « د ک « ۱۹۲۹ صفحه ۱۶۴ تألیف تالینی کاتانها تاسالی.

در مجسمه کوتل خیرخانه ریش دار نشان داده شده (شکل ۱۴) گاهی شخص منبور را رب النوع (آگنی) گفته اند زیرا اوهم ریش دار و قدری شکم بزرگ بوده است. (دندا) را بسبب وضعیت سپاهی مانندش، اغلباً (سکاندا) رئیس فوج مذهبی تصور کرده اند. اما بطور قطع این تصورات پسان تر بوجود آمده است. وانگهی ما میتوانیم که در موقع جستجوی منشأ و مبدأ مصاحبین رب النوع آفتاب، بار دیگر باین موضوع برگشته آن را مطالعه نماییم.

هر گاه به سوی ابنیه تصویری، متوجه شویم ملاحظه مینماییم که یکی از قدیمیترین مجسمه های رب النوع آفتاب هند، روی پایۀ کتسارۀ بدھ کایا (۱)

(۱) پایۀ ۶۱ متعلق به هایکل خانواده «سنگا» بوده است (قرن اول قبل از میلاد) که در کتسارۀ منبور جا داشته است ملاحظه شود کتاب «هجاری بدھ کایا متعلق کلکسیون آرس آسیاتیکا» ۱۸، ۱۹۳۰ صفحه ۲۲ و تصویر ۳۴ La Sculpture de Budhgaya, Ars Asiatica رب النوع آفتاب بهاجا (۱۳۷ کیلومتر بجنوب شرق پیشی) برگادی نشسته که چهار اسپ آن را کش میکند دو نفر زن بالای سرش ایستاده که یکی چتری و دیگر چوری (مکسیران) را در دست دارد. آنکه کتساره را برداشته دیوی است که از قرار معلوم (راهو) میباشد. در غار (گانتاگفا) نزدیک (خاندا ژیری) در ولایت اوریسنه (هند) در سر دروازه در آمده رب النوع آفتاب نمایش داده شده که «زیر چتری نشسته و عماره را که چهار اسپ کش میکند» میراند. یا طرافش، هر دو زنش (سمجنا) و (شهایا) قرار گرفته اند. اول الله کر بطرف راست و ثانی الله کر بطرف چپ. بسمت چپ شهایا (سایه) هلالی وجود دارد که بالای آن ستاره گمان دیده میشود. و بطرف راست سمجنا يك گل سدره خوش ساخت وجود دارد که یقیناً آفتاب را نمایش می دهد. در نوک زیرین طرف راست، دیو چافنی موجود است که البته (راهو) میباشد و در دست راستش يك شوچبول و در دست چپش يك ظرف چپنده را محکم گرفته (پروان مذهب بودای عامل خسوف و سکوف همین دیورا می دانند) اسپها و دیو که بطرف راست واقع بودند، مفقود شده اند، از «فهرست ابنیه قدیم که بموجب ماده هفتم تاریخ ۱۹۰۴ در ولایت بهارو از ریس حفظ شده شعبه عتیقه شناسی هندوستان» سلسله جدید امپراطوری جلد ۵۱ کلکت ۱۹۳۱ صفحه ۲۷۲ از مولوی حید فریشی. ملور بکه دیده میشود هیچیکی از این ابنیه قدیم وجود یشکالا (منشی ریش دار) و دندا (مرد جنگی) را نشان نمیدهد.

1- Maulawi Mohammad Hamid Kuraishi A.A., list of ancient Monuments protected Under Act VII of 1904

نشان داده شده رب النوع « نورانی » هاله دار ، زیر يك سائنا (چته) و برگادی سوار شده که بچهار اسب بسته است . بطرف راست و چپ ، بالای گادی ، چندین نفر زن قرار گرفته که تصور میشود زنهای رب النوع مذکور باشند و این زنهای از کانهای کشیده خود ، تبر هائی را بر تان میکنند که بقسم شعاع جلو مینمایند (۱) .

بنام « ماتهورا » (۲) (قرن اول میلادی) رب النوع آفتاب تنها بريك عماده که بچهار اسب دو نده بسته است ، نمایش داده شده باید تذکر داد که دو اسب پیش روی اسپهای عقب را تقریباً بکلی مخفی نموده ، و گویا مابین این وضعیت و وضعیتی که اسپها کاملاً از صحنه معدوم و پنهان شوند ، زیاده از يك قدم فاصله باقی نیست . از اینجا است که در يك ظرف کوچک قرن دوم یا سوم عهده مسیحی ، که عبارت از قدح ادویه معطر و از سنگ صابون آبی رنگ است (۳) فقط دو اسب مشاهده میرسد و این ظرف در سال ۱۹۲۴ بواسطه پروفسور هرزفیلد کشف شده (نزدیک جلال آباد) (تصویر ۳۱ ، ۳۳) رب النوع آفتاب و گادی و اسپهای آن که درین قدح نقش شده ، نقش مذکور بسیار تقریبی بوده ، جزئیات قطعاً نشان داده نشده است .

(۱) کتاب سابق الذکر تألیف ۱ - ك - کومراس و پیسی صفحه ۴۴ .

(۲) کتاب « حجاری ماتهورا کلکسیون آرس آسیاتیکا » تألیف ف - ووزل جلد ۱۵ پاریس ۱۹۳۰ تصویر ۳۸ الف - Ph. Vogel, La sculpture de Mathura, Ars Asiatica

(۳) کتاب E. Herzfeld, Die Sasanidischen Quadrigae Solis et Lunae archeologische Mitteilungen aus Iran

تألیف پروفسور هرزفیلد ماه جولائی ۱۹۳۰ صفحه ۱۲۸-۱۲۱ این شی درجۀ اشیای موزۀ خانۀ کبۀ فرانسه داخل شده است . دستۀ موزۀ خانۀ کلکتہ (تیر ۵۸ G) که موسسۀ فوشه تحت عنوان 1- A. G. B. G صفحه ۲۰۶ شکل ۸۴ نشر کرد . رب النوع متهاب میباشد و شاخهای هلال بر است و چپ شاه ها بوضوح سوداوار است .

آثار عتیقه کوه تل خیر خانه (۲۷)

موسیوف ، دوزل بك مجسمه دیگری را نیز درین ردیف قرار داده که شخص نشسته را نشان میدهد و این شخص يك خنجر بدست راست و بدست چپ بك شی را دارد که گمان میرود بك پندك کل سدره باشد . لباسش که عبارت از يك پلان كناره



شكر (۵)

دوزی شده و موزه های بزرگ است ، مجسمه های شاه کوشانه را بیاد میدهد که ما در ضمن همین تحقیقات خود ، تشریح نموده ایم . برخلاف وضعیت او به وضعیت رب النوع آفتاب بیشتر شباهت دارد . درین مسئله هیچ جای شك و شبهه نیست که نمونه رب النوع آفتاب ، که در کتب تصویری شناسی پراهمانی دیده میشود ، از همین مجسمه های شاهان

تحریف شده است . (۱) در جمله این چهار شی ، که به آن اشاره کردیم سه تای آن رب النوع آفتاب را تفهانشان می دهد . فقط بر پایه ۶۴ بدھ کلیا (قرن اول قبل از میلاد) دو تازن در حال کشیدن کسان نمایش داده شده است . بخاطر بکریم که این دو مصاحبه از چنان يك عنصر تصویر شناسی نمایندگی میکنند که قدیمی و اصلاً هندی بوده . و از روی تاریخ پیش از زمان پیدایش مصاحبین مردانه فوق الذکر بدو طرف رب النوع آفتاب ، می باشد (یعنی شخص ریش دار ، پنگالا ، و شخص جنگی ، دندا ،) همین دو زن تیر انداز ، در یکی از حجاری های نیم بر جسته عصر ، کوپتا ، (۴ قرن قبل از میلاد) که از مقام ، گار ، و ا ، (۲) کشف شده نیز بمشاهد می رسد . اما در قرینه بهوما را (قرن ۵ و ۶ بعد از میلاد) (۳) زنان تیر انداز وجود نداشته بعوض در دو طرف رب النوع آفتاب پنگالا و دندا دیده می شود رب النوع آفتاب ایستاده و اطراف سرش را هاله نور احاطه کرده ، کلاه لوله شکل لشم و بلندی پر سرویلان درازی در بر دارد که در حد کمر بوا سطه کر بندی تنگ بر بدنش چسبیده است . طرز برش لباس بهیچوجه شباهتی بایلان های رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خبرخانه و مصاحبین او بهم نمی رساند (شکل و - و تصویر ۱۴) . در آثار بهوما را

(۱) کتاب سابق الذکر تالیف ف - و وزل تصویر ب ۲۲ .

(۲) کتاب ، حجاری عصر گوپتای هندی V. A. Smith, Indian sculpture

of the Gupta Period , Ostasiatische Zeitschrift

تالیف وی - ۱ - سمت سوم . صفحه ۱۳ تصویر ۷ و - کتاب ، تصویرشناسی سبورا رب النوع آفتاب و کاند را رب النوع مهتاب در هند ، آسان و زمین ، تالیف کومباز چاپ پاریس ۱۹۳۴ صفحه ۶

چاپ مخصوص G. Combaz, Iconographie de Surya , dieu solaire. et de Candra dieu lunaire , dans l'Inde , Ciel et Terre

(۳) دیده شود تشریحاتی که راجع به معبد بهوما را داده شده صفحه ۶ همین کتاب - و نیز

ملاحظه شود کتاب ، معبد سبوا در بهوما را - یادداشت های هیئت عقبه شناسی هندوستان ،

تالیف آ - دی - برچی نر ۱۶ صفحه ۳ و ما بعد .

(۲۹)

آثار عتیقه کوتل خیر حاکم

که اکنون تحت مطالعه ما میباشد ، کنار های زیرین پلان طوری بالا زده شده که يك فرورفتگی واضحه را بوجود آورده است (۱) يك بشقاب آقره که در موزه خانه ارمیتاژ

لنینگراد وجود دارد (۲) دارای تزئینات برجسته است که خسر و نوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۸ میلادی) و در وسط دربار پاش نشان می دهد . این بشقاب تاریخی نیز از رهگذر دقیق لباس که در آن بکمال خوبی نشان داده شده است ، عناصر قیمت داری برای مقایسه بدست می دهد . شخص شاه که بر تخت نشسته پلان پیش دامنی مانند در از رخی در بردارد . و در بار پاش باچنان پلان کشالی ملایم میباشد که پلان و رالنوع آفتاب مکشوفه از معدیه هومارا و صاحبین رب النوع موصوف را بخاطر می آورد . پلان های در بار پان انوشیروان مزین با کنار فته نی



(شکار)

است که شکل مخصوص طرح شده (شکل ز) مربی آفتاب هومارا و صاحبین او ، موزه هائی برای خود دارند که چین های افقی بران افتاده و همین چین های موزه در یکی از محله هائی مرمی مکشوفه از کوتل خیرخانه نیز ملاحظه می رسد (شکل ۱۲) مصاحب طرف چپ رالنوع آفتاب هومارا (دندا) کلا . نوک تیزی بر سر دارد که در عقب آن يك قسمت که

(۱) راجع به این پلان که حاشیه زیرین آن فوسی میباشد کتاب موسیو غوشه G.B.G.A شکل ۳۴۶ - ۳۵۳ و غیره ملاحظه شود ، (۲) کتاب سابق الذکر تالیف اورلی وتری ورتسور ۱۳ .

حصه پس سر را می پوشاند نیزه وجود است. در دست راستش يك نیزه و آرنج چپ خود را بر يك سپر تکیه داده (شکل ه) وضعیت این شخص در عین حالیکه کتف اجباری و ساختگی معلوم میشود باز هم خیلی نزدیک به وضعیت خمیده رب النوع آفتاب کوتل خیر خانه ، میباشد (مقایسه شود شکل ه و شکل و) اعضای مصاحب طرف راست ، دسته مجسمه های همو ملرا



شکل (ز)

شکسته معلوم میشود ، اما تا جائیکه از وضعیت دست و توله دست آن حدس میتوان زد گویا شخص مذکور بتل . مصاحب دست راست رب النوع آفتاب مکشوفه از کوتل خیر خانه یعنی بنگالای

آثار عتیقه کوتل خیر خانه (۳۱)

ریش دار، بدست راست خویش یک قلم فی داشته است لباس و کلاه مصاحب راست رب النوع آفتاب
بهو ما را عیناً مثل لباس و کلاه مصاحب طرف چپ میباشد، اما وضعیت شان کمی از یکدیگر
فرق دارد یعنی وزن جسم مصاحب دست چپ به مانند مصاحب دست راست بر همان پاشی



(شکل ج)

که بان طرف خم شده، نیفتاده بلکه برخلاف مقررات قوانین موازنه. تنه کاملاً به طرف
راست خم گردیده است. بهر حال - ما باید در نظر بگیریم که مجسمه بهو ما را باستانی
جزئیات لباس بوضوح با مجسمه کوتل خیرخانه شباهت دارد. وضعیت مصاحبین موصوف
وضعیت خمیده مصاحبین رب النوع کوتل خیرخانه را بخاطر خطوط می دهد. اما شکل خیره

(۳۲)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

و محو شده . این ابنیه که از روی حالات خود - با هم خیلی نزدیک هستند - بایستی از روی تاریخ نیز از یکدیگر چندان دوری نداشته باشند . فوقاً دلائلیکه مارا وادار میسازد که بنای سنگی کوتل خیر خانه را مر بوط به قرن پنجم عهد مسیح بدانیم - تذکار گردید . اکنون ابنیه بهو مارا را میتوان از روی تاریخ قبری بعد تر و متعلق قرن ششم دانسته ایقان نمود که در بین این دو قسم ابنیه بمرو زمان بعضی روابط پیدا شده خواهد بود . هرگاه تحقیقات مقایسوی خود را ادامه داد ، آثار تصویری بعدی را نیز در مقایسات خویش دخیل بسازیم ، ملاحظه مینمائیم که این نمونه ساده محسوسه کایه رب النوع آفتاب و دو مصاحبه زنانه او یا رب النوع آفتاب و دو مصاحب مردانه آن - پیچیده شده رفته ، حواشی زیادی پیدا میکند . آنچه را اولتر از همه تذکر میدهیم عبارت از آمیزش مرد و نمونه است .

الف) رب النوع آفتاب و دو مصاحبه زنانه (نمونه قدیمی بدو کایه - قرن اول قبل از میلاد) .

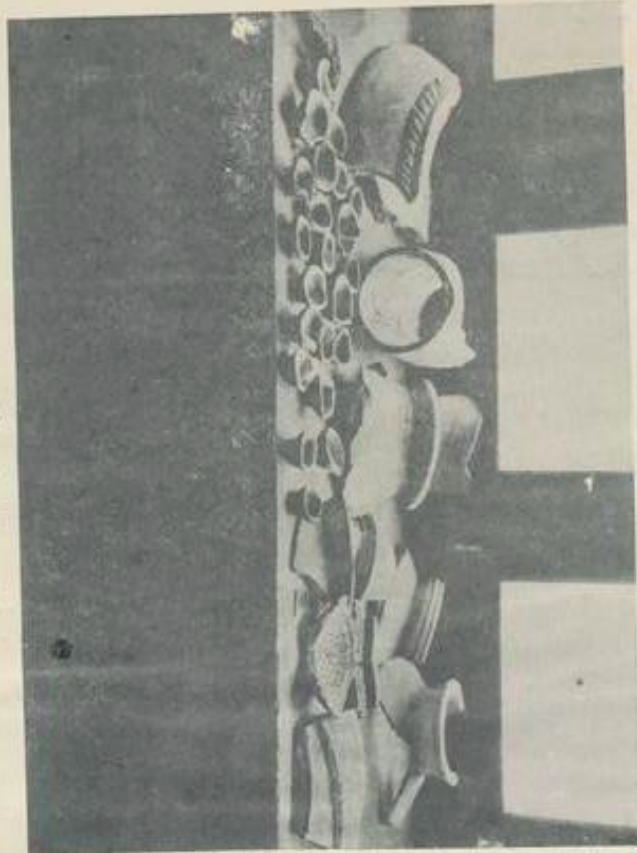
ب) رب النوع آفتاب و دو مصاحب مردانه (خیر خانه قرن پنجم مسیحی بهو مارا قرن پنجم و ششم مسیحی) - يك مثال برجسته از اختلاط این دو نمونه در یکی از حجار یهای مکشوفه از ولایت شمبا (۱) (ریاست تابع کشمیر بشمال کانگرا) ملاحظه میرسد (تقریباً قرن هشتم مسیحی) (شکل ح) . وضعیت شخص عمد . یعنی رب النوع آفتاب که را نهایش بقسم فراخ قرار گرفته ، وضعیت مربی آفتاب کوتل خیرخانه را بوضوح یاد میدهد . اما اطرافیانش نسبت به اطرافیان رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه زیاد تراست . باوجود بکه اکثر اعضای این بنا شکسته است ، باز هم مصاحب دست چپ (دندا) را میتوان تشخیص داد . یعنی

(۱) کتاب « تصاویر هندی » تألیف برن داوان . سی . بهاتا کارا . طبع کلکته

وشه ۱۹۲۱ حصة اول تصویر ۱۰۰ Brindavan: C. Bhattacharya, Indian Images.



١٤ - انعام دھاتو (مرمر سفید)



۲۲ - جراحی های رنگ های سفید



شکل (ط)

زینکه گمان را مالای سر دندا در حال
 پرواز کش میکند شبیه است با حصه
 را ست بنا که خراب شده و شامل
 محلی بوده که پنگالا و زینکه مالای
 سرش گمان را کش کرده نبرد در حال
 پرواز میبود، در آن وقوع داشته اند .
 (آرو ما) را نده گادی (۱) برادر
 (کارودا) که در بنای سنگی کوتل
 خیرخانه نکمال و ضوح دیده میشود
 در بنای شمعیایی معیوب بنظر میرسد .
 در گادی رب النوع آفتاب هفت اسب بسته
 است پس از این قرار بنای حجاری
 برجسته مکشوفه از ولایت شمعیایی هند .
 (مربوط به قرن ۸ میلادی) اختلاط
 واضح هر دو نوع یعنی رب النوع آفتاب
 بادو مصاحب مرد و رب النوع آفتاب
 بادو مصاحبه زن . را نشان میدهد
 و الحاقیه دو شخصیکه مالای سر
 پنگال و دندا بحال پرواز وجود
 دارد . اضافه میباشد . هرگاه ابقیه
 هیکل دار ادوار بعد تر را ملا حظه
 کنیم . مثلاً يك لوح سنگ قرن ۱۱
 مسیحی که بمقام را مبال کشف

(۱) کتاب « اشکال شناسی حجاریهای بودایی و بر امانی در موزه خانه » که تالیف تألیف
 کاتابها تاسالی - چاپ ده ۱۹۲۹ تصویر ۶۱ .

واکنون دره فرنگی باره (۱) گذاشته شده (شکل ۱) مشاهده خواهیم کرد که نمونه مذکور کاملاً هندی شده اما باز هم رب النوع آفتاب و مصاحین او که تقریباً رهنه میباشند هنوز هم موزه در پای خود دارند (۱) وضعیت خمیدگی شدید پنگالا و دندان به یک خمیدگی بسیار حقیقت تبدیل یافته است. ریهائی را که همان کفش کرده در دست دارند از پس خورد نشان داده شده اند. ریهت میتوان دید. ز نهای رب النوع آفتاب نیز نشان داده شده و در زیر پای اشخاص عمده یازده نفر (روی تپاها) مشاهده میسند. بعضی اینها دیگر از لحاظ هیاکل الحاقیه ز یاد خود از این کرده هم سنگین تر معلوم میشود. تنه مصاحین (پنگالا و دندان) بتدریج بزرگ شده رفته (رب النوع آفتاب مقام سورا را ننگ) (۲) در آخر وضعیت عمودی محاذی انداز وجود پیدا کرده رب النوع آفتاب مقام را جیره (۳) رب النوع آفتاب و مصاحین او همیشه موزه در پای دارند و همین کیفیت یگانه خاطره شالی است که تا هنوز سنگ تراشان شالی شرق هند آن را حفظ کرده اند. این تحقیق سریع بنا موقع داده که یک کیفیت بسیار دلچسبی را پیش نظر مجسم نمائیم. و آن عبارت است از قبول دو شخص دیگر در اطراف سیور یا یعنی رب النوع آفتاب هند بر اعمانی که این دو شخص در این هندی قرن اول قبل از میلاد وجود نداشته و تنها در قرن پنجم عهد مسیحی در منطقه کابل ظهور کرده است. معاینه اینها بعد تر که از شمال غرب هند بدست آمده نشان میدهد که اشخاص مذکور (دو شخص نو وارد) کم کم لباس شالی خود را ترک و هندی شده رفته و در آخر کار از لباس عجیب خود بجز یک چیز یعنی موزه را حفظ نکرده اند. در اینکه هر دو مصاحب مری آفتاب اصلاً

(۱) کتاب قبل الذکر تصویر ۶۰ و کتاب «جاریهای متوسطه هندی در برتس موزیم» تألیف (را بر اشاد کاندلا) چاپ لندن ۱۹۳۶ (۲) کتاب قبل الذکر تألیف تالینی کاتانیا تامالی تصویر ۶۱ یک نمونه اشکال شناسی که بواسطه هیاکل الحاق شده مابعد سنگین شده عبارت است از بنای هیکل دار «مارتاندای بی راوا» مکتوبه از شکل شالی که از طرف «کشی بیچ چاندرا سرکار» نشر یافته مجله پارناسوس Parnasos جلد پنجم نمره (۶) ۱۹۳۳ صفحه ۲۳- این شکل کتیاب رب النوع آفتاب از این رهگذر بسیار دلچسپ میباشد. (۳) کتاب «تأثیر ادیان شرقی در بت پرستی رومیها» تألیف موسیوف. کیومرید چهارم، پاریس ۱۹۲۹ صفحه ۱۲۳- مخصوصاً فصل ششم که مخصوص ایران است. F. Cumont, Les religions musulmanes dans le paganisme romain

آثار عتیقه کوتل خیر خانه

(۳۵)

از روی منشاء خود، غرضی میباشد، هیچ جای شک و شبهه نیست و مری آفتاب که مصاحبین موصوف باطرافش ایستاده اند شخصاً او هم از هند بیگانه است. بنای سنگی کوتل خیر خانه لباس مری موصوف را - بجز بعضی پارچگی ها - شبیه - لاطین قرن چهارم میلادی نشان می دهد، و این زمانه مصادف نهضت بزرگ آفتاب در عالم مشرق بوده است (۱) ادیان زردشتی آتش پرستی و آفتاب پرستی از مدت درازی علاقه سیدتان (۲) (سکادوی پات سکا ستپانا) را فتح نموده، روز بروز پیش آمده خود را به آستانه هند رسانیده بود تشبیهات دین آفتاب پرستی در عصر شاهنشاهان سلاله گوپتا خیلی زیاد بوده است. کتیبه «ماند سور» متعلق به سلطنت «کوما را گوپتا» تفصیلات تعمیر معبد آفتاب را در سنه ۲۳۷ بعد از مسیح در بردارد. سر لوجه اندوه که در زمان سلطنت نواسه اش «سکادا گوپتا» حکاکی شده و از امانه ذکر کرده است که برای نگه داری چراغ روشنی در معبد آفتاب تخصیص یافته بود (۳) و نیز این مسئله را باید بخاطر گرفت که آئین رب النوع آفتاب مخصوصاً در عهد شهنشاهان «وارد ها نا» یعنی اخلاف گوپتاها رونق زیادی یافته بود. چنانچه زائر چینی هونتسین (یا هیوان تسنگ) در وقت زیارت رفوچ (که در آنجا سیهان «مرفی واردها نا» پادشاه محل بود، از وجود یک معبد آفتاب در نزدیکی معبد سیوا (ماهش دارا) ذکر و خاطر نشان کرده که بهر يك از این معابد هزار نفر کشیش وجود داشته است (۱) و نیز زائر موصوف از مجسمه طلایی معروف رب النوع آفتاب که مکمل مجواهر بوده،

(۱) کتب «تاریخ ادبیات هندوستان» تألیف وشرنتر - ۱ - صفحه ۶۷.

Vinternitz, History of Indian Literature

(۲) قسمت مهمی از کتاب «بها ویشایورانا» از رسم آفتاب پرستی معمول در «ساکدویا» بحث رافده و از راهبان آفتاب پرستی موسم «هوجکه» و «مکه» نام گرفته است. و این رسم بدون تردید با آئین آفتاب و آتش پرستی زردشت را بطه دارد. (۳) کتاب قبل الذکر «لینی کانتا بهاتاسالی» و دیگر کتاب سلسله های سلطنتی و تاریخ هند از زمان کاناکه استیلای اسلام - مولفه - ل - دولاوله پوشن -

L. de la Vallée Poussins, Dynasties et l'histoire de l'Inde depuis Kanishka jusqu' aux invasions musulmanes

(۱) کتاب «سی - یو - کی» نوشته جات بودائیون در باب دنیای غرب «تالیف ییل - ۱ - صفحه ۲۲۲ Beal, Si. Yu-ki, Buddhist record of the Western World

در زمانیکه هونتسین (زائر چینی) هندوستان را سیاحت میکرد، (قرن هفتم میلادی) امتزاج دو نمونه هیکل تراشی ذیل : - یکی رب النوع آفتاب و دوم مانیکه ، گمان کشیده در دست دارد و دیگر رب النوع آفتاب ایرانی و دوم معاون ، یکمال خوبی صورت گرفته و رواج داشته است . بنای سنگی برجسته مکشوفه از ولایت شمبا (قرن ۸ میلادی) (شکل ح) این امتزاج نمونه های هیکل تراشی را شهرت زیادی بخشیده زیرا که در آن دو مصاحب باطراف رب النوع آفتاب که لباس به لباس مروج وقت است ، اضافه شده است . باید تذکار کرد که از قرن دوم یا سوم مسیحی مطابق رسم و رواج بایستی سیور یا یارب النوع آفتاب را لباس شمال هند نمایش میدادند کتاب « متسیا پورانا » که یک سند معتبری بشمار رفته . در آن اشاراتی بسوی سلاله « آندرا » ها (۱) بعمل آمده تشریحاتی حوالی را نسبت به خصوصیات « شملی » البسه سیور یا یارب النوع آفتاب در بر دارد . این سرایت نمونه ایرانی در نمونه هندی خیلی به کندی صورت گرفته است . تنها بوسیله تحقیق تنقیدی مقایسات کتب قدیمه مثل (امسو بهی داگاما) و (بهاوی سیا - پورانا) و (متسیا پورانا) میتوان درجات و دوره های سرایت تأثیرات یگانه را در نمونه قدیم هندی - کشف کرد . تحقیقاتی که از رهگذر هیکل شناسی و تصویر شناسی در اینجا بعمل آوریم فقط یک پهلوی مسئله را نشان میدهد : برای کشف اطراف مسئله کتب قدیمه را باید مورد معاینه قرار داد .

● ● ●

تحقیقاتی را که نسبت به بنای سنگی هیکل دار کوه تل خیر خانه نمودیم . در آن وقت بدامعتقدین را بطرف شهر ملتان (۲) جلب میکرد ، تذکار نموده است .

(۱) کتاب « تاریخ ادبیات هندوستان » تألیف و تترتر - ۱ صفحه ۶۷ که قبلاً ذکر شد . و نیز ملاحظه شود مقاله « تاریخ سمرتی جیترس متسیا پورانا » متعلق « رساله مؤسسه تحقیقات شرقی بهندکر » . جلد ۱۲ (۱۹۳۵ - ۱۹۳۶) صفحه ۲۶ - ۲۸ .

Rajandra Candra Harza, The dates of the Smrti, chapters of the Matsya Purana, A nual of the Bhandarkar Oriental Reaserch institute

(۲) کتاب فوق الذکر ۲ - صفحه ۲۷۱ .

آثار عتیقه کوتل خبر خانه (۳۷)

بدون يك تفقیس علیحدہ راجع بہ تاریخ معا امیر همراهان دو گانہ رب النوع آفتاب
ختم کردہ نمیتوانیم . گفتیم نمایش این اشخاص در اطراف رب النوع آفتاب از ہند کاملاً
یگانہ است (۱) همراهان من بودند اینہ قدیم (بدھ گاہا - مانیو را) دیدہ نمیشوند
بنای مرمری خبر خانه آنہا را مجلس بالہ قرن ۶ عیسوی مروج وسط آسیا بوضیعت
خمید کی مخصوصی نشان میدہد . این همراهان کہ در مرکز شہال ہند (ہومارا
قرن ششم مسیحی) و شہال شرق ہند (فرنگی بازار ، سونہ رنگ - را جیر - قرن
۱۱ میلادی) یا سیور یا (رب النوع آفتاب) یکجا شدہ . متبرجاً لباس شہالی خود را
ترک و بدن شان راست شد . آفتاب یا همراهان متعدد یکہ مطابق قواعد تصویر شناسی
بر امانی باید نزدیک سیور یا نشان دادہ شود . نزدیکی ہم رسانیدند . این وضیعت خمیدہ
ظاهر آہیکہ از قواعد ثقہ ہیکل سازی کہ در قرن پنجم میلادی در منطقہ کابل هنوز ہم معتبر
شناختہ میشد . مطابقت دارد . این قاعدہ در ہومارا (قرن ۶ میلادی) ترک شدہ و بالآخرہ
در قرون وسطی در نواحی شہال شرق ہند بکلی از بین رفتہ است . پس از اینقرار
برای جستجوی منشأ همراهان دو گانہ رب النوع آفتاب در ہند چیزی نمیتوان بدست آورد
بلکہ باید دوبارہ در پای خود بنا یعنی در کوتل خبر خانه مرا جعت کردہ ، از انجبا
تحقیقات خود را با تصمیم قطعی بطرف غرب پیش ببریم . چنان معلوم میشود کہ ہنگام
و دندا کہ بد و طرف رب النوع آفتاب کوتل خبر خانہ قرار دادہ شدہ بہ آن دستہ

(۱) موسوژو و دو بروی مصالحین مجسمہ آفتاب ہومارا را دو « ازوین » (یعنی برادران
دو گانگی اعلام کنندہ صحیح) میداند . این عتیقہ قابل اعتبار نیباشد زیرا کہ مستند بہیچ يك
کتاب و سند نیست . عتیقہ منور را شمس فوق الذکر در رسالہ موسوم بہ « رسالہ انجمن
فرانسوی دوستان شرق » شماره ۱۶ - اپریل ۱۹۳۱ صفحہ ۳۹ - ۴۱ تحت عنوان « سبت
ہومارا » نشر کردہ است .

فرشتگان و برادران مقدسی که ادیان قدیم شرقی گاهی به خدای متعال (۱) و گاهی به آفتاب و ماهتاب مربوط میکردند - بی لستی نباشد - پدش از آنکه به تفصیلات این مسئله پیر دازیم باید یاد دهانی نمائیم که پنگالا یعنی همان کاتیکه مامور نوشتن اعمال خوب و بد انسانها (۲) میباشد - بواسطه ریش انبوه و رنگ تیره پوست خود از رقیقت دندا تشخیص داده می شود - این دو خصوصیت باید بخاطر گرفته شود - کتاییکه پنازگی از طرف موسیو فرنان شاپوتیه (۳) نشر شده - چنان نکاتی را در بر دارد که از روی آن نزدیکی های دلچسپی را میتوان درک کرد - خصوصاً يك بحث آن که راجع به مصاحبین رب النوع آفتاب مقام ایدس (بین النهرین) است - بنظر ما بسیار مهم و قابل استفاده معلوم میشود - موسیو شاپوتیه مینویسد : « ما میدانیم که مردمان ایدس که از هرگندر دین خود آفتاب را اهمیت زیادی می دادند بدو طرف آفتاب اری زوس و «مونیهوس» را قرار می دادند که اول الذکر بطور قطع در نظر شان ستاره صبح و در عین حال همین اری زوس يك رب النوع قوم پالمیر بوده که با آرسو یکجا شده » -

(۱) کتاب « آثار عتیقه سوریا » بیر - که نشر سری بی نام و دو برادر بزرگت سیریا شده -
تالیف سیریاك ۱۹۳۱ صفحه ۲۷۹ - ۲۸۲ -

(۲) کتاب « هیكل شناسی حجاز بهای بودائی و بر امانی موزه خانه دکه » تالیف تالینی
کتابها تاللی - فصل ۱۲۴ بها و سیا یورا قبل الذکر

H. Seyrig: Antiquités syrienne, Pirée dédié au dieu anonyme et aux frères saints Syria.

(۳) رساله « دیوسکور (یکی از اساطیر تاریخی اسکندریه) خدمت يك سری مونث کتابخانه های مدارس فرانسیوی آتن و روما » بقلم فرنان شاپوتیه و جزوه ۱۳۷ پاریس ۱۹۳۰ صفحه ۲۷۷ - ۲۷۸ -

Fernand Chapoutier: Les Dioscures au service d'une déesse, bibliothèque des écoles françaises d'Athènes et de Rome

« در کتاب « پیاویشیا یورا تا » (فصل ۱۲۴) نامبرده (یعنی پنگالا صریحاً) بنام اگنی خوانده شده و تذکار یافته که خوبی و بدی مردم را می نویسد و باسم « پنگالا » بسبب اینکه رنگ گندمی داشته موسوم گردیده است -

آثار عقیقه کوتل خیرخانه (۳۹)

مونی از موس ستاره شام (مونیم یعنی نیکوکار) است (۱) این دو مصاحب محترم آفتاب یعنی از یزوس و مونی موس بعقیده موسیو دو سو و از روی نام (فوسفوروس) و (هسپروس) (۲) میباشند ، که در تصویر سازی های (یونانی و شرقی) بعضی تصاویر یونانی شکل ، شرفی ، ستاره صبح و ستاره شام را نیز معرفی میکنند . موسیوشا پوتیه (۳) تبصره مینماید که « مابین این فرشتگان و دیوسکور ها یعنی راهبان منقوشه با اطراف مریان قدیم . فاصله خیلی جزئی و غیر محسوسی موجود است . » کاستور ، و « پولوکس » نیز ستاره بر سر دارند و یلان لرزانی بر گردن شان بسته است . همچنانکه شعله چراغ قنبله منقوشه در دست دیوسکور های قدیمی گاهی ختم و گاهی ایستاده می شود . نونک نیزه های آنها گاهی بسوی آسمان بالا و گاهی بطرف زمین پائین می آید . یکی از آنها که فوسفوروس باشد . چنان معلوم می شود که گویایمی خواهد خنجر را بدست بگیرد . این دو شخص که در « کبیر » (سوریه) شناخته شده . مثل مصاحبین عقاب مقام « مساد » خوشه سنگین در دست دارند . و نیز طبیعی است که در عالمیکه شرق دران . قوانین خود را بطور وسیعی منتشر ساخته . بنای سه قری ما . اکثر اوضاعیت مهتاب را مابین دیوسکور ها پیدا کرده است . « دیوسکور ها که اغلب با مهتاب یکجا نشان داده شده . بعضی اوقات بآرپ النوع آفتاب نیز همراه می باشند . مجسمه سر آفتاب

(۱) ر سالة « یادداشت های علم الهیات سور یا » تألیف « اردیوسو » قریه دوم - « از یزوس و مونیموس همراهان رب النوع آفتاب مجله عتیقه شناسی ۱۹۰۲ - ۱ - صفحه ۱۲۹ .

R. Dussaud, Notes de mythologie syrienne, paragr. 2, Azizos et Monimos parèdres du Dieu Solaire, Revue Archéologique.

(۲) کتاب قبل الذکر اثر از - دیوسو صفحه ۱۰۹ .

(۳) کتاب قبل الذکر اثر قرنان شاپوتیه صفحه ۲۷۸ - ۲۷۹ .

که دور آن را اشعه احاطه کرده . در يك سنگ حکاکی شده که در ضمن مجموعه آثار (کادس) و بواسطه موسیو شاپوتیه نشر شده (شکل ی) (۱) بد و طرف رب النوع آفتاب دو دیو سکور یعنی راهب را نشان میدهد . مابه این مسئله اکتفا نمیکنیم که بالای سر و تعدادی در ها ستاره گان نمایش داده شده است بلکه ما هم مثل موسیو شاپوتیه از خودی پر سیم که از روی کدام صفت این دو ستاره یافت این را پیدا کرده اند که گاهی همراه آفتاب و گاهی همراه مهتاب میباشد ؛ موسیو شاپوتیه تبصره مینماید که « معبوی را که مابه کاستور و پولوکس در آسمان اسکندر به دادیم » نمیتوان مفهوم مزبور را همیشه برای آنها حفظ کرد . ماهتاب در میان دو ستاره نو آیین چه معنی دارد ؟ آیا دیو سکور ها در ستاره های دیگر جای نگرفته اند ؟



(شکل ی)

فقط از خواندن افسانه قدیمکه مربوط به این شخصیت های مذهبی است انسان فکری در پیش خود قائم کرده میتواند : معلوم است که چگونه این دو برادر (کاستور و پولوکس) که خیلی بهم مربوط میباشد ، با هم فیصله کرده ، توانسته اند که تنها یکی از آنها از مردن محفوظ باشد . زمانیکه کاستور (جوپیتر) از طرف « افار میتیده » ها مغلوب واقع شد ، پولوکس از « زوس » (جوپیتر) استعنا نمود که برادر دو گانه کی او را از او جدا نکنند . جوپیتر یعنی ارماب بزرگ انواع تصمیم گرفت که این دو برادر به نوبت يك روز را در زمین و يك روز را به آسمان بگذرانند . این نوبت دیو سکور ها در یکی از اشعار « اودیسه » (یونانی) نیز ذکر شده است . چنان مینماید ، که شعرا این معاهده هر دو برادر را با شکل مختلف احساس کرده بعضی این تفریق را خاص مقصد یکی ساختن دو برادر

(۱) کتاب فوق الذکر اثر فرنان شاپوتیه صفحه ۲۷۱ شکل ۴۱ - ما از موسیو شاپوتیه اظهار تشکر میکنیم که تصویر - ک و تصویر مندرجه صفحه ۲۶ را در اختیار ما گذاشته است .

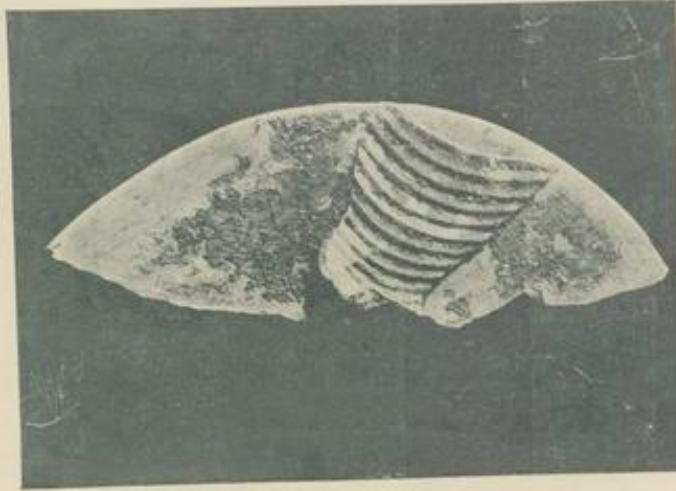
دانسته ، میگویند که هر دو برادر - بنوبت دو روز را نزد مستمر ، ها و دو روز را در منزل هادس (پلوتون) میگذرانند . اکنون همین افسانه را بکلمات علمی افاده مینمایم : اساطیر منور مربوط یکی از اجرام سیاره دو گانه کی یعنی دو ستاره پہلو به پہلو است که پہلو به پہلو طلوع کرده و همان طور پہلوی هم در دامن افق غروب میکنند . اما در زمانه های مابعد (۱) بطور قطع این افسانه مذهبی قدیم بطوری دیگری تفسیر داده شده و بدون آنکه خواهرش پولوکس را مد نظر گرفته باشند و یا در حالیکه خواهرش مذکور را خیلی کم مراعات کرده اند ، هر دو برادر دو گانه کی موصوف را در حالیکه علیحدہ علیحدہ ہر یک در یکی از دو محل منور توقف دارد ، نشان داده اند . و مطابق تناقضیکہ در اساطیر مذهبی قدیم بکثرت دیده میشود ، دو برادر دو گانه کی مذکور بجذائمی ابدی گرفتار شده ، ہر کدام شان در یکی از عوالم دو گانه یعنی زمین و آسمان باقی ماندہ اند . و ہر گاہ بخواہیم باز مثل فوق - افسانہ قدیم را با کوائف سیاره تطبیق بدہیم - باید این دو ستارہ نوامین را دو ستارہ درخشان یعنی یکی را روز ، دیگر را شب بدانیم (۲) ملاحظات فوق و یاد داری کہ در حاشیہ این صفحہ درج است (۳) مما تاقین میکند کہ مابین افسانہ های غربی (۱) در اینجا یاد داشت منضمہ مقبول موسو شاپوتہ (یاد داشت ۴ - صفحہ ۲۷۲) از لحاظ اہمیت آن باید ذکر کردہ شود . « راجع بہ تعبیر آن در زمان لوسیان هیچ شک و شبہہ باقی نیست cf. Dial Deor. 26. , hygin poet astr. II 23 . افسانہ را باین صورت تعبیر میکنند ، itaque alternis die bus eorum quemque lucere . چیست ؟ یا وجود آن اسپانی اعتراف بد کرد کہ گاہی سیارہ و گاہی سفید شدہ و دیوسکورہائی کہ بالای ظرف نشانی شدہ . بآن مرین میباشند . Cf. Panofka, the Roy. Soc. Lit. » موزخانہ بلاکس تصویر ۲۸ و « ترجمہ انجمن شاعری ادبیات » سلسلہ دوم جلد ۴ صفحہ ۲۸۹ . (۲) کتاب سابق الذکر تالیف شاپوتہ صفحہ ۲۷۲-۲۷۳ . (۳) مقالہ « یاد داشت ہا راجع بہ الہیات سوریا » تالیف از - دو سو فقرہ ۲ (از ی زوس و مولی موس بدو طرف رب النوع آفتاب) منشورہ در مجلہ عتیقہ شناسی فرانہ ۱۹۰۰-۱۹۰۱ صفحہ ۱۲۹ « ستارہ صبح نیز در نزد اعراب یکی از بزرگان جنگی مد کر بودہ ، و برای آن یک قسمت از فضا نام را قربانی میکردند کلمہ « از بر » یعنی قوی مخصوصاً مناسب داشت و از این رو قسیمیہ (زولین) کہ ستارہ صبح را مریخ تصور کردہ بدروستی اثبات میشود « و ستارہ شام طوریکہ پس اوقت بجال افول دیدہ میشود . مونیہ (فیکو کار) میباشد کہ در تعریف یونانی Deo Puero Bono Phosphoro مقابل کلمہ « یونوس » است . همچنین ملاحظہ شود حاشیہ شاپوتہ در کتاب سابق الذکر و صفحہ ۲۷۲ نمرہ ۲ .

و آثار یکم مطابق افسانه های مذکور . ساخته شده و بنای سنگی کوتل خیرخانه شباهت
و نزدیکی موجود میباشد مثلاً منشی ریش داریکه يك طرف پالوئوع آفتاب قرار گرفته
با پوست تیره رنگ خود . ممکن است پری شوم را نشان بدهد که این پری تاریک در
و قنبره شخص نورانی یعنی مرد جنگی یا پری روز . آمدن صبح را اعلام میکند . در
حال خاموش شدن میباشد . آيا اسپهائی که گاهی سیاه و گاهی سفید جلوه کرده
دیو سکورها (هیاکل رهبانان) رازینت بخشیده . (۱) همین وضعیت آنها به حالت
منشی ریش دار تیره رنگ و مرد جنگی نورانی بنای کوتل خیرخانه . شباهتی ندارد ؟
این ملا حظات و تفصیلاتی که داده شد . در نظر ما نزدیکی ذیل را محسوس میسازد :
الف : اری روس . فوسفوروس . کاستور . دندا . ب : - مونیوس . هسپروس .
پولوکس . پنگالا که اینها با هم نزدیک میباشد . ولی پان که یکی ستاره صبح (فوسفوروس)
و دیگر ستاره شام (هسپروس) دانسته شده . خصوصیات اقترادی آنها باندازه خصوصیات
که کاستور و پولوکس را از هم امتیاز میدهد . نمیباشد . فوسفوروس . هسپروس .
کاستور . پولوکس در بسیاری از تصاویر و هیاکل . بشکل اشخاص جوانیکه ریش ندارند
نشان داده شده و تنها در حال نمایش دادن دند او پنگالا امتیاز ریش دار بودن دندا
مراعات گردیده است . علاوه برین . باید تذکار نمود که اشیائی که در دست فوسفوروس
و هسپروس (چراغ سر بالا و چراغ سر پائین) و کاستور و پولوکس (نیزه ایستاده و بعضی
اوقات نیزه روبه آسمان و نیزه روبه زمین) وجود دارد از اشیائی که در دست پنگالا
میباشد (قلم نی و کتاب) فرق دارد زیرا بخاطر داریم که دندایک نیزه شکاری را
بکف خود گرفته است که هیچ استی به قلم نی و کتاب رفیقش پنگالا بهم نمیرساند . اگر
چه تصاویر و هیاکل قدیمی هیچگاهی هسپروس را ریش دار نشان نداده . باز هم بقرار
گفته شایسته باید تذکار نمود که از همان اعصار اول تصویر کشی . بعضی مصوران
دو (دیوسکور) را یکی ریش دار و دیگر رانی ریش نمایش داده اند : مثل تصاویر روی

(۱) ملاحظه شود حاشیه نمره ۲ صفحه ۵۳ همین کتاب .



۳۱ - رب النوع آفتاب (از سنگ آبی) مکشوفه از حوالی جلال آباد



٣٢ - شكلة از خانه وب النوع (مرمر)



٣٣ - شكلة يك سنگ - ليت منقوش

صندوق (کب سانس) و موسیو شاپوتیه که همین بی قاعدگی را در یکی از حجارهای برجسته سبارت (یونان) نیز کشف کرده در دنبال گفتار خود چنین مینویسد : این اختلاف در سربان کبیر ها (۱) بصورت واضح تری مشاهده می رسد :

دیو سکور های منقوشه در سرب (آرس) یا مجسمه کوچک (وین) هم مثلی مریان (سامو تراس) دوشکل مختلف را نشان میدهند یعنی یک طرف شخص قنای پذیری نشان داده شده که آثار تغییرات عمر در او بوضوح نمودار است و روی آن شخص دیگری نمایش یافته که همیشه جوان و شبیه رب النوعان میباشد . همین علامات در دیو سکور های جدید دو گانه یعنی (هادری) و (آتینوس) نیز مشاهده می رسد . و قلیکه قبصر (سزار) از سفر های طولانی خویش بازگشت . در آخر عمر خویش . آن جوان رعنائی را تماشا کرد که از ریمان شباب خود سرشار و ستاره جوانی در آسمان انتظار او را داشت . (۲)

کبیر بی ریش و کبیر ریش دار در یک سلسله مسکوکات نزدیک قرن سوم مسیحی مشاهده می رسد (۳) . (شکل ک) و نیز هر دو کبیر در صندوق های مرمری که

بلا شک از سقف معبدی بدست آمده . - ملاحظه رسیده اما در اینجا یک شکل سوم نیز همراه شان نقش یافته است .



یکی از اهراب النوع جوانی را بشکل نیم رخ نشان میدهد

که موهای انبوهش گوش و

(شکل ک)

یک قسمت رخسارش را پوشانیده است ، کبیر دومی عبارت از یک سرب ریش دار است

(۱) کبیرها رب النوعان بزرگ سامو تراس بودند که پسان ها بحیث دیو سکور ها شناخته و بهمان حیث در تصاویر نمایش داده شدند و چهره شان نیز بلا فاصله درین اوقات واضح تر گردید ، کتاب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۱۱ - مقدمه کتاب .

(۲) کتاب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۲۲۶ نیز ملاحظه شود صفحه ۲۲۲ همین کتاب

دیو سکور های اسکندریه بشکل (آتینوس) و (هادری) نشان داده شده است .

(۳) کتاب سابق الذکر شاپوتیه صفحه ۱۷۵ شکل ۱۰ .

که رو بر نمایش داده شده و زلفانش زنگوله وار بشکل متناسبی بدو طرف سرش آویزان میباشد. اگرچه علامات مشخصه؛ ناقص است، باز هم از خواندن تشریحات فوق بلا فاصله فکر انسان بطرف زوس (ژو پتر) و (هرمس) متوجه و این دو شخص مذهبی درین وقت، بهمان صورتی پیش نظر جلوه میکنند که حجاران قدیم عادتاً آنها را نمایش داده اند. (۱) از اینجا ما، علامات مشترکی مابین مصاحبین رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه و دیوسکور ها و کبیر هائی که در هیکل سازی قدیم غربی باطراف رب النوعان نمایش داده میشدند، بدست می آوریم. چنانچه وضعیت مخصوص سر پنگا لاودندا (شکل و. و تصویر ۱۴) در بعضی از دیوسکور هاء ملاحظه میرسد برای آنکه راجع به نزدیکی وضعیت این هیاکل قساعت کلی حاصل شود. تنها ملاحظه دایره المعارف روشر (۲) کفایت میکند (جلد اول حصه اول) دایره المعارف موصوف چنین مینویسد: «بخت مادر سر یک باریکی هیکل سازی است که تنها در زمانه قبل و بعد از سلطنت اسکندر - روی کار آمده و تثبیت یافته. راجع به وضعیت سر - دران زمانه چنان یک نمونه معینی معمول گردیده بود که بعضی باریکی های آن با نمونه مایه و خور خور ده زوس (ژو پتر) شباهت زیاد داشت. قسمت زیرین پیشانی برجسته و موها از حد پیشانی بطرف پشت سرفقت شده و از آنجا زنگوله وار پائین افتاده بود چشمها درشت و بیاتند چشمان هیلوس پیش از اندازه باز بوده بطرف بالا و کمی هم به پهلو نگاه میکرد. سر تنهما - کمی بطرف قفامتایل بوده که از روی آن انسان گمان میکند که وضعیت عمومی شخص زحمت میباشد (۳). بوضوح مشاهده میکنیم که وضعیت دندا و پنگالا نیز همین قرار است (تصویر ۱۴) چنانچه تمایل سر بطرف عقب از نگاه مایل آنها که بسوی بالا متوجه می باشد - بخوبی استنباط می شود که

(۱) کتاب سابق الذکر شاپوتیه صفحه ۱۷۷ - ۱۷۸

(۲) دایره المعارف دیلو - ایچ - روشر - W. H. Roscher, Ausführliches Lexikon der Griechischen und Römischen Mythologie

جلد اول قسمت اول - صفحه ۱۷۵ (۳) دایره المعارف روشر جلد ۱ - قسمت اول صفحه ۱۱۷۲.

آثار عتیقه کوتل خیرخانه (۴۵)

از اثر همین وضعیت سر - در کمر خمیدگی بوجود آمده است کل دیوسکورها عموماً (و لا اقل از قرن سوم قبل از میلاد به بعد) عبارت است از کلاه مخروطی شکل (۱) که به نسبت کلاه معاونین رب النوع آفتاب بهو مارا (شکل ۵) و منشی ریش دار (پنگالا کوتل خیرخانه قدری دراز تر بوده - ولی باوجود این نزدیکی تردید ناپذیری در بین این کلاه های مختلف موجود میباشد - از روی این مجموعه مشابه هم که در سطور فوق تذکار گردید اگر بتوانیم که بطور قطع مصاحبین رب النوع آفتاب کوتل خیرخانه را عبارت از دیوسکورها و کیرهای منقوشه در هیاکل قدیمی غربی، بدانیم، کم از کم اینقدر فیصله کرده میتوانیم که مابین مصاحبین کوتل خیرخانه و دیوسکورها و کیرهای غربی

(۱) دیوسکورها در پشت بعضی از مسکوکات با کتر یا بی (بلخی) هندی و یونانی (اندوکر یا) و هندی و یارتی (اندوپارت) یا بشکل سواران تیرانداز تائیش داده شده (سکه چهار گوشه نقره سلسله اوکراتید های بلخی و مسکوکات مغربی سلاطین مزبور) یا بشکل دو کلاه مخروطی شکل همشکل موسوم به پیللی Peilei معلوم است (ملاحظه شود کتاب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۲۸ شکل ۵۳) که در فرق این کلاه علامتی بشکل هلال و ستاره موجود میباشد (لوحه فلزی سا باز یوس - موزة کونپناگ) مسکوکات چند گوشه اوکراتید های بلخی که عبارت از قل پیسته این نمونه و بنام (لیا کا کوسولیا) ضرب شده همان علامت را بشکل بسیار خورده شده نشان میدهد که پترله زینت نوك نیز فرق کلاه بنظر رسیده - شباهت کمی با دکه نوك کلا پنگالا دارد (تصویر ۱۱) - مسکوکات پیسته تر شاهان سلاطین آفتابا لیداس - وادشی یوس يك علامت بسیار عجیبی را ارائه میکنند



(شکل ق)

حکایت عبارت است از دو کلاه همشکل که در فرق آن علامت سه گوشه نصب بوده - علامت مزبور همان نوك های هلالی و ستاره فوق الذکر را بطاهر خطوط میدهد - کتاب کبرج هستری آف اندیا - جلد اول تصویر ۳۰ ب Cambridge History of India اوکراتیدس، دیوسکورها های تیر انداز تصویر ۲۹ - ۸ (اوکراتیدس سکه مغربی، دیوسکورها های تیر انداز) ۱۱، اوکراتیدس کلاه پیللی يك دکه (۱۲) (لیا کا کوسولیا کا کلاه پیللی يك دکه) ۱۳، آفتابا لیداس، کلاه پیللی سه دکه (۱۴) (اوشی یوس کلاه پیللی سه دکه) ۱۵.

قربان زیادی وجود دارد . بالجمله این کیفیت را هم از نظر نیندازیم که دیوسکورها بحث « راهتا » محسوب میشوند . موسیو شاپوتیه در کتاب معروف خود چنین مینویسد « این دو نفر راه راست را نشان میدهند و مخصوصاً امتیازی که بر دیگران دارند عبارت از اینست که روز مره در امتداد راهی که باید تعقیب کرد ، رفت و آمد میکنند و هر روز کاستور و پولوکس از « زبنة ستارگان » بالا میروند و هر روز در آن جائی که مرکب بر ما قرار سد ، یقین داریم که با آنها مقابل خواهیم شد و فاصله بین رفت و آمد آنها علامت انتقال مرده است به زندگانی جدید (۱) » موسیو شاپوتیه بدون تردید حالات دو کائنات را که بعضی وقت دیوسکورها بخود میگیرند (دیوسکور ریش دار و دیوسکور های بی ریش) عبارت از یک تصویر نوبت منبهر می داند « وظیفه محاسبی (. . . .) به کاتب ریش دار تعلق دارد و او است که میزان باقی یا فاضل بودن را که بواسطه آن مقدرات تخیلی ارواح در موقع « انتقال از حالتی بحالت جدید » تعیین میشود ، بر قرار میسازد . بنابراین وظیفه خود مشارالیه ربط قریبی برب النوع آفتاب « هلیوس سیکوپومپ » داشته و وظیفه میانجیگری اش او را اکثر اوقات به (میترا) (۲) نزدیک میگردد و رب النوع آفتاب یعنی « قلب جهان » بقرار عقیده قدما و مخصوصاً رب النوع مقتدر بوده و همچنانکه به نوبت گاهی اجرام سماوی را از خود دور و گاهی بخود نزدیک میساخت ، همالقسام باثر یک سلسله انتشارات و انجذابات در موقع ولادت قوا را در اجسامی که ترزیق میکرد ، فرستاده و پس از عدم

(۱) کتب سابق الذکر موسیو شاپوتیه صفحه ۳۲۵ .

(۲) کتاب « یاد داشت ها راجع به الهیات - سور یا » فتره ۴ تحت عنوان « هلیوس یسی کویومپ » منتشره در « مجله عتیقه شناسی » فرانسه ۱۹۰۳ - ۱ - صفحه ۱۴۷ راجع به اهمیت که تنهایی مطلقه آفتاب در امتداد دوره یونانی پیدا کرده بود ، ملاحظه شود کتاب تأثیر ادیان شرقی در بت پرستی رومی ، تالیف الف - کیومون - طبع چهارم که به توجهات موزه خانه آثار شرقیه پاریس (موزه گیه) بدل آمده ، پاریس ۱۹۳۹ صفحه ۱۲۲ - ۱۲۴ .

F. Cumont, les Religions orientales dans le paganisme Romain.
R. Dussand, Notes de mythologie syrienne (Hélios Psycopompe
Revue Archéologique.

آثار عتیقه کوتل خیر خانه (۴۷)

دوباره قوای منور را به پیش خود بالای آورد. (۱۰) و طبقه پنجم بالا یا منشی که مأثور نوشتن اعمال بوده فهمانده و اثبات یافته نمیتواند مگر در صورتیکه بوجود يك شخصیت بزرگ و پسیکو پومپ، قائل شویم که بقرار تشریحات فوق در موضوع قوای دخی دارد و در نمایشات بنای سنگی کوتل خیرخانه، تنها شخص رب النوع آفتاب صلاحیت پسیکو پومپ را دارد و بس.

فصل چهارم

در ضمن تشریح حجرات مکشوفه از کوتل خیرخانه (حفریات موسیو ژان - کارل) بسوی يك سکوی مرمری اشاره کردیم که بالای آن پاهای يك مجسمه بزرگ و پای چپ يك مجسمه کوچک بحال شکستگی هنوز باقی میباشد. این سکوی مرمری در میان لوحه سنگی نصب شده بود که قسمت وسطی کرسی واقعه در ته حجره الف و متصل دیوار، را پوشانده بود، (سوراخ مرکزی جای نصب) (تصویر ۱۰) - در میان خاك توده که زاویه راست درون همین حجره الف (تصویر ۱) را بر کرده بود، يك مجسمه کوچکی کشف شده که يك نفر معطی (انعام دهنده) را بحال تکیه کردن بر يك ستون مدور نشان میدهد (تصویر ۱۲ و ۱۳ این مجسمه کوچک که پای چپ آن هنوز بالای سکوی مرمری باقی است، به آسانی بطرف چپ بقایای مجسمه کلان یعنی پاهای شکسته آن، (تصویر ۱۳) جای خود را اشغال کرده میتواند. پاهای برهنه شکسته (۲) به مجسمه تعلق داشته که یکی از بزرگان مذهبی را نمایش می داد که بلندی قامتش از ۶ ر. تا ۶۵ ر. متر بالغ می شده است. پس بطرف چپ این شخصیت بزرگ شخص

(۱) کتاب فوق الذکر تألیف - اف - کیومون صفحه ۱۲۳

(۲) بزرگی سکوی مرمری - طول ۳۷ ر. عرض ۱۳ ر. بلندی ۱۰ ر. متر - بزرگی پای مجسمه بزرگ (شکله آن) - طول پای راست ۱۱۳ ر. عرض پای چپ ۱۱۷ ر. ضخامت حد بچك هر دو پا ۳۶ ر. متر - بلندی انتهای حد شکسته کی پای چپ ۷ ر. متر و از پای راست ۲۷ ر. متر.

ریزه اندامی که فوقاً به‌وی آن اشاره کردیم (تصویر ۱۳) (۱) طوری ایستاده بوده است که وزن بدنش بالای پای چپش افتاده و به کمر ستونی تکیه کرده بود، چنانچه حال هم پهلوی راست مجسمه کوچک مذکور به پارچه از ستون وصل می‌باشد. بند دست راست مجسمه کوچک و یک قسمت از بازوی راست و پای راستش مفقود شده است بازوی چپ از حد شانه شکسته ولی دست چپ باقی و بر دسته شمشری تکیه دارد (۲) سرش بزرگ (بلندی ۴۵ ر. ارتفاع مجموعی کل بدن ۲۱ ر. متر) موهایش دراز و بواسطه یک رده عمودی از وسط دو شق شده و یک فته موهایش را محکم گرفته است. نوک موهایش بصورت زنگوله‌های کوچک و کوتاه جلوه می‌کند (مقایسه کنید بایک مسکوک «اورودس» اول ۳۷ یا ۳۸ - ۵۷ قبل از میلاد) (شکل م) - چهره او کمی فر به بینی اش راست و کوتاه، چشمها بسیار درشت و لب بالایش خوش ساخت و بالای آن پروت نازکی بنظر می‌رسد. لباس دراز، بقامتش جسیده و شکمش را بر جسته نشان می‌دهد. چین‌های لباس بصورت چین‌های خفیف مخصوصاً در حصه زیرین لباس که مزین با کتازۀ ساده مرکب از مرواریدهای درشت است نمودار و حاشیۀ مروارید مزبور بصورت دوردیف عمودی بطرف راست و چپ سر بالا امتداد یافته. کمر بند دو مرتبه دور بدنش دور خورده و دور دوم آن قدری پائین افتاده بنظر می‌رسد که پائین افتادگی مذکور با اثر محکم شدن دوشنی لنگر دار می‌باشد: یکی خنجر کوتاهی که تیغ صریض، و دیگر شمشری یکۀ دسته درازی دارد. شخص موصوف کلو بند مر و ارید و یک

(۱) بزرگی مجسمه کوچک - بلندی کل بدن ۲۱ ر. بلندی سر ۴۵ ر. بلندی لباس ۱۱۳۵ ر. و بلندی موزه ها ۲۸ ر. متر.

(۲) شمشری از همان قسمی است که در دست جوان پالمی رینی تاجدار می‌باشد که در یکی از حجاریهای برجستۀ مقام پالمیر (سوریۀ) بواسطۀ موسیو روستوئف کشف شده ملاحظه شود. کتاب I. Rostovtzeff: Dura and the problem of the Parthian Art
تالیف موسیو روستوئف شکل ۵۱ (طبع جدید بر ای مطالعات مدارس جلد ۵ منتشر از طرف پل یونیورسیتی پریس ۱۹۳۵).

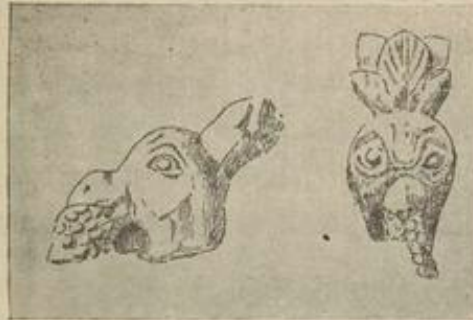
آویزه بر روی سینه خود دارد که نشان بیضاوی شکلی در آن بسته است .
 شلوار این شخص مثل (برجس) در حصه ران ها قدری برآمدگی داشته ، نوک های
 آن در زیر موزه ها پنهان شده که در موزه های مذکور خطوط عمیق افقی متوازی
 بنظر میرسد . موزه هایش چنان معلوم میشود که بزحمت درپاوش خارجی (مثل کلوش
 که مسیح در آن داخل میشود) داخل و بواسطه نوار هائی که نوک های آن بد و طرف
 آویخته است ، در حصه پشت پای محکم شده . دردست راست خود (که شکسته) ، تاج فینه
 داری را گرفته بوده که بحضور شخصیت بزرگ مجاور خویش تقدیم میگردد است فینه گل
 دار دراز آن هنوز هم موضوع دیده میشود . نشانه نقوش سرخ در لباس و نقوش آبی روی
 موزه ها حصه بخصه بنظر میرسد . شخص موصوف تاج را بواسطه این فینه که بان وصل بوده
 محکم گرفته بوده در پشت سکه های سلاطین (پارت) شکل همین قسم اشخاص دیده
 میشود که تاجهای فینه دار را به بزرگان مذهبی تقدیم میکنند (مسکوکات ولوز اول
 (۵۱ - ۷۷ - ۷۸ میلادی) و لوژز پنجم (۲۰۷ یا ۲۰۸ - ۲۲۱ یا ۲۲۲ میلادی)
 (۱) مجسمه کوچک مزبور باوجود اینکه تناسب آن قدری کلفت است ، باز هم از نقطه
 نظرفن ، چنان يك نمونه کاملی را ارائه می کند که مهارت تردید ناپذیر استادان آن نوبته را
 اثبات کرده ، تصویر سازی های خشن دیگر حجاری که بالای سنگ سلیت تصویر کشیده
 اند خیلی از آن عقب مانده است .

در جمله دیگر آثار مکشوفه از کوتل خیرخانه يك تکه سنگ مرمر کوچکیکه سر
 پرند و نول چنگی را نمایش می دهد ، لائق آنست که بصورت علیحده تذکار کرده شود
 (شکل ل) ابعاد آن بسیار کوچک بوده (بلندی ۲۶ . ر . ، طول ۱۷ . ر . ، ضخامت

(۱) قانجیکه که در پشت بعضی از مسکوکات هندی و پارتی (اندو پارت) مثل مؤسس آرس
 کوند و قارنس ، اوتها گنس - پاکورس و غیره نقش شده ، آن ها نیز همین قسم تاجهای فینه دار را
 در دست دارند ، این نموه ها از طرف ساسانی ها نیز معمول گردیده (ملاحظه شود قانجین
 طاق پستان) .

(۵۰)

آثار عتیقه کوتل خیرخانه



(شکل ل)

اشیائی ۹۰۰ م. (هنوز
نقوش آبی رنگ ،
بکمال وضوح در آن دیده
میشود ، این سر پرند
از حد شروع کردن ،
شکسته ، در نول خود که
نسبت به نول طوطی
درازتر است ، یک شی را
محکم گرفته که مرکب از
اجسام مدور خوردخورد

۳۴ چسبیده (یادانه یا سروارید) میباشد . در فرق سرش که خیلی مدور بنظر می آید ، یک قسم
تاج دیده میشود که از اجتماع پنج دانه پرخوش ساخت تشکیل یافته و همین تاج خصوصیت
مهم آن بشمار میرود . باید بخاطر گرفت که همین قسم پرند نول چنگ و دارای تاجیکه
در قسمت مدور سر آن واقع شده ، در حقیقت جزء تزئینات قسمت آخر گلو بند های
مخصوصی بوده (شکل م) که شاه اورودس از سلاله از اشکانی ها پاسایده های آسیای
مرکزی (۵۷ - ۳۸ یا ۳۷ قبل از میلاد) استعمال میکردند است . مسکوکات چهار
کوشه قره ئی ژ - مورگان انتشار داده (شکل م) (۱) و نیز همین قسم مرغها ، در
تزئینات تاج بعضی (بودیزا نوا) های آسیای مرکزی - مشاهده میرسد (سوباشی
هیئت پول پیلو فرانسوی) (شکل ن)

دیگر اشیائی که از کوتل خیرخانه کشف شده بقرار ذیل است :-

(۱) رساله مسکوکات شرقی در قدیم و فزون و معلی انروز - مورگان - پاریس ۱۹۲۳ -
جزوه ۱ - صفحه ۱۰۸ شکل ۱۶۱ .

J.de Morgan, Manuel de numismatique orientale de l'antiquité
et du Moyen Age.

(۵۱)

آثار عتیقه کوتل خیر خانه



(شکل ۲)

حالانکه آنچه پیشتر به تفصیل ذکر کردیم عبارت از نقوذ صنایع بومی بود که بطور واضح



(شکل ۳)

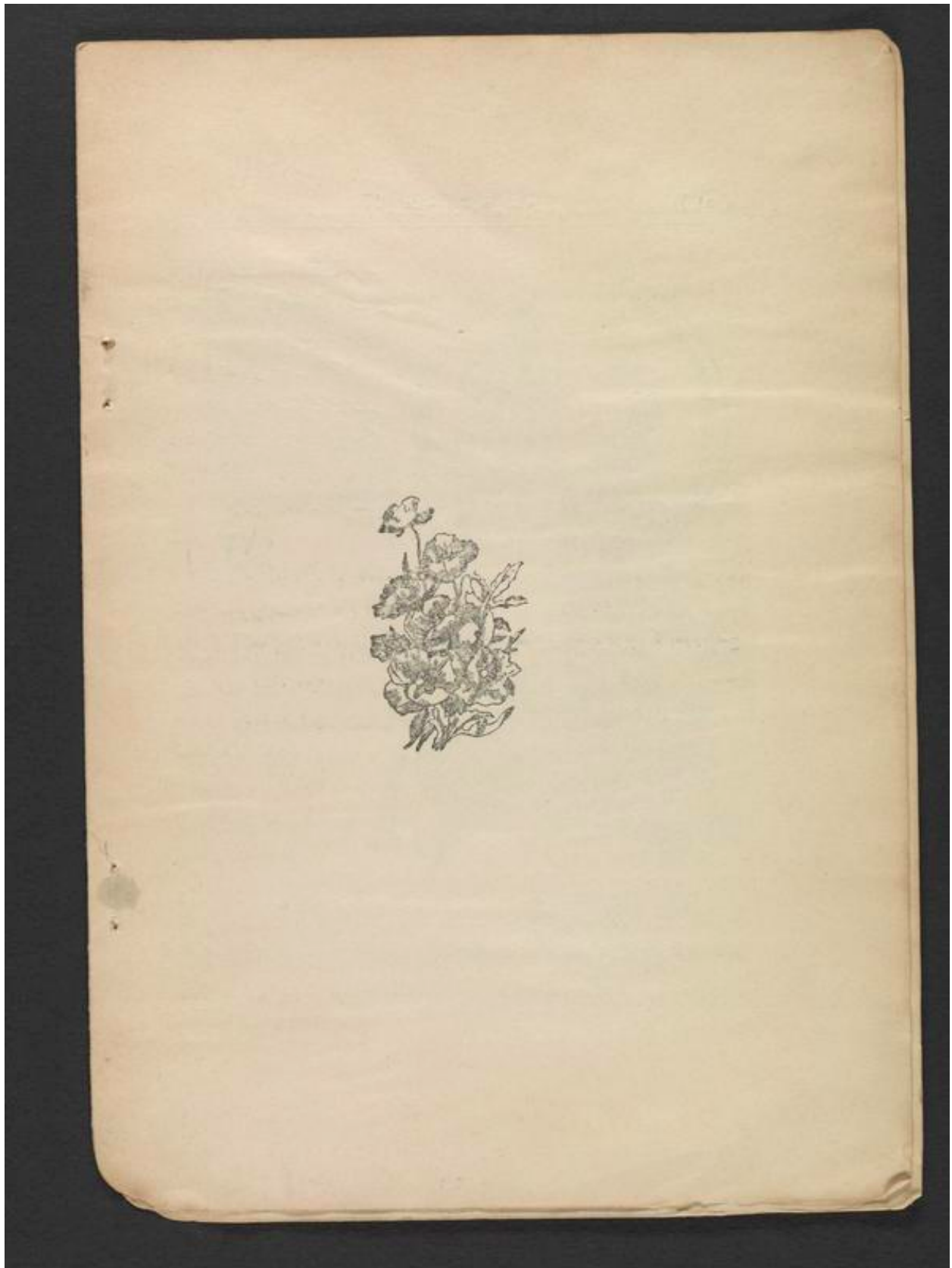
قدیمی هستند، قندهار و غزنی سرایت کرده بود. این علاقه جات و این شهر ها که در بسط
 و انتشار نقوذ تمدن بومی و یونانی سهم مهمی داشته اند باید اینها هم به مانند بلخ توجه علمی
 عتیقه شناسی را بسوی خود جلب کنند. (آنها)

(۱) يك پارچه سنگ مرمر
 كه هاله نور و نوك فینه را نشان
 می دهد كه دارای خطوط عمودی
 است (تصویر ۳۲ - ۳۳)

(۲) يك پارچه سنگ سلیت
 مدور كه تزئینات مار پیچی بشکل
 گلپای خمیده و مرغابی ها در حال
 پرواز بر آن نقش شده است (تصویر
 ۳۳ - ۳۴)

اینها كه كفقیم كم كم خاطره
 های عصر پارت ها را در بر دارد

تری بمقابل بیننده جلو
 میکنند. راه انتشار این
 صنایع طبعاً عبارت از
 همان راهی بوده كه سابقاً
 بوسیله آن تأثیرات مزبور،
 به شهر های غزو به
 سیستان و مرز لگا های



غلطنامہ

صفحہ	سطر	غلط	صحیح
۱۵	سر صفحہ	کرتل	کونل
۲۱	سطر آخر پاورقی	»	»
۲۴	»	»	»
۳۶	پاورقی	Under	Under
۳۷	سطر ۲ پاورقی	Detesof	Dates of
۴۲	ما قبل آخر پاورقی	A nual	Annual
۴۳	آخر پاورقی	صحیح	صحیح
		Uhumara	Bhumara
		صفحہ ۳ ہمین کتاب	صفحہ ۳ اصل
			کتاب (و دو ترجمہ
			فارسی صفحہ ۲۱)





سيد قاسم رشقيا
S. Kassém Reshtia



موسيو ژوزف هاكن
M. J. Hackin

